

## علیرغم اخراجها، دستگیریه‌ها، بازجوییها و اعمال فشارها مدارس بسان بشکه باروتی آماده انفجار است

پرورش، این عنصری مایه وزیون که ما برای سوابق درخشان سرسپردگی به رژیم شاه در مجلس رژیم جمهوری اسلامی توسط همپا لکیش خلخال بر ملا کردید، بلافاصله پس از انتصاب به وزارت آموزش و پرورش اعلام داشت که "۱۰ سال باید سال حاکمیت حزب الله در مدارس باشد در اجرای این هدف ضد خلقی بود که از نام نویسی

دانش آموزان مرفقی و مبارز و... امیریا لیست خودداری کردند، عده ای از آنان راهنگام امتحانات تجدیدی دستگیر و روانه زندانها کردند و اینک هم هر روز - تعدادی از دانش آموزان را با زداشت می کنند و با مسلط کردن انجمنهای اسلامی بر مدارس و همچنین دخالت دادن سپاه

بقیه در صفحه ۷

## نیروهای مسلح و انقلاب (۱) شهربانی

خودویزگی شرایط کنونی که همانا کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب است، حاد شدن بیش از پیش بحران اقتصادی و ناتوانی رژیم در برپا نگه داشتن نیروهای حاد طبقاتی را در آینده ای نه چندان دور نبود

بقیه در صفحه ۵

## اعدادهای دسته جمعی انقلابیون رژیم و از بحران گنونی نجات نخواهند داد

هنوز خا طره جنایات و سرکوب های رژیم ترور و اختناق پهلوی در اذهان توده های ستمکش میهن مان محو نشده بود، که سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و ارتجاع، تا زه بقدرت رسیده بر فرق سرتوده ها فرود آمد. آزادیها - شی که توده ها با نشا رخون خویش برسگ فرس خیا با آنها و جانفشانیهای عظیم خود

بقیه در صفحه ۸

## بگوشیم با تمام توان مبارزات و اعتراضات نوده ای را سازماندهی کنیم

در شرایطی که رژیم ترور و اختناق بر میهن ما سایه افکنده است و همه روزه دهها تن از انقلابیون ایران بخواه اعدام سیرده می شوند، و هزاران تن از نیروهای انقلابی در زیر شکنجه های حیوانی و قرون وسطائی رژیم در زندانها بسر می برند. در شرایطی که انبوهی از کارگران، محصلین معلمین، کارمندان مبارز و انقلابی بجرم دفاع از آزادی، از انقلاب و منافع توده های مردم اخراج شده و هزاران تن دیگر در شرف اخراج، با زداشت و اعدام قرار دارند، و خلاصه در شرایطی که سیاست ترور و اختناق رژیم رعب و وحشت در میان توده ها پدید آورده است، در چنین شرایطی وظیفه ای بسیار سترگ و بیمان اندازه سرنوشت ما زبردوش نیروهای انقلابی بویژه و کمونیستهای ایران قرار گرفته است. شرایط دشوار کنونی از کمونیستهای ایران بزرگترین قهرمانیها، فداکاریها و از خود گذشتگی ها را که باید در سرشت هر انقلابی اصیل قرار داشته باشد می طلبد. انقلابی کسی نیست که تنها در شرایط سهل و آسان فعالیت قانونی بمیدان مبارزه سیاسی روی می آورد. انقلابی

بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● ارگان سازمانی و نقش آن

● مانورهای دیپلماتیک رژیم



# ورود کارگران کشور و ایلست گره جنوبی

## به شیراز خیانت جدید رژیم

قسمتی از اعلامیه کارگران پیشرو صنعت  
نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

### کارگران وزحمتکشان ایران!

هنوز زمان زیادی از قطع روابط ایران با کره جنوبی این کشور وابسته امپریالیسم آمریکا نگذشته است که حدود صد تن از کارکنان این کشور تحت نام فریبده کارشناسان از خارج ردا ایران شده و در مجتمع طرح گسترش پتروشیمی شیراز به کار مشغول شده اند.

آری نوکران امپریالیسم آمریکا در ایران اربابی میکنند، کارکنان کره جنوبی با حقوقهای گزاف به کارگمارده شده اند و در یکی از هتلهای مجلل شیراز زندگی میکنند. در کارخانه آریستوران - جداگانه ای که ایرانیان حق ورود به آنجا را ندارند استفاده میکنند. حتی غذای آنان با کارگران و کارمندان ایرانی متفاوت است، به کره ایها علاوه بر یک وعده غذا سالاد و میوه نیز داده میشود (که به کارکنان ایرانی تعلق نمیکرد) این اقدام رژیم جمهوری اسلامی در زمانی صورت میگردد که بیش از پنج میلیون کارگری را در سرا سر کشور - داریم که بخش اعظم دارای تخصصهای عالی بوده و تاجرب زیادی در اجرای پروژههای صنعتی بزرگ دارند علاوه بر این تعداد - زیادی از کارکنان مناطق جنگزده جنوب که دارای تخصصهای عالی در سطح بین المللی میباشند نیز تا کنون کاریابی نشده اند و به همراه سایر کارکنان صنعت نفت یا رها آمادگی خود را برای اتمام این طرح - (پروژه) به مسئولین اعلام نموده اند.

آنها امروزه مثل مجلل در اختیار کارکنان کره جنوبی قرار داده شده، نمایندگان - شورای صنعت نفت به جرم دفاع از منافع کارگران و خواستن مسکن برای جنگزدگان جنوب در شیراز و ما شهر به حبسهای ابد و ده سال و پنج سال محکوم شده اند. شش تن از کارکنان همین طرح گسترش پتروشیمی شیراز به علت دفاع از منافع خود و همکاران از کار منفصل شده اند. کارگران سربند بیه جرم خواستن آب سرد در گرمای ۵۰ درجه جنوب بوسیله پاداران سرما به به گلوله بسته میشوند. کردستان قهرمان محاصره اقتصادی شده و به شهرهای آن بمب تا پالم ریخته میشود. توده ها مورد بوش و حشانه قرار گرفته، کارگران شهرک قزوین به رگبار مسلسل بسته میشوند. روزانه ها - تن از بهترین فرزندان مجاهد فدائیان خلق و سایر انقلابیون فقط و فقط بجرم - دفاع از منافع خلق یعنی مبارزه در راه - استقلال، کار، مسکن، آزادی به اعدام محکوم میشوند.

## جنبش کارگری



### کارگران وزحمتکشان!

رژیم جمهوری اسلامی که سرا سیمه دسته اعدای بی باقیه زده است دیگر چه سره وابسته خود را با آوردن کارشناسان خارجی بیش از پیش آشکار نموده است. در این میان با توجه به شرایط خاص جدیدی که بوجود آمده مسئولیتها و وظایف مهمی به شرح زیر بعهدت تک تک ما است.

۱- تجارب سالهای سیاه رژیم وابسته مغفوبی به ما نشان داده که هرگاه رژیم به سرکوب نیروهای انقلابی پرداخته هم زمان با آن به کارگران وزحمتکشان نیز یورش آورده است.

علاوه بر دستگیری نمایندگان کارگران و ورود کارکنان خارجی کره جنوبی هم زمان است با یورشهای جدید حاکمیت به سطح - دستمزد و سایر مزایا و امتیازاتی که کارگران طی سالهای سال مبارزه و تحمل شکنجه ها و اعدایا و تبعیدها بدست آورده اند. در - این میان ضروری است با مستحکم نمودن - صفوف خود و تقویت شوراها و واقعی مقابله با اقدامات ضد کارگری رژیم فرخیزیم.

۲- اخبار اعدایا و جناحیات رژیم را با تمام امکانات به همراه اخبار اعتراضات و اعتصابات، بگوش سایر کارگران وزحمتکشان شهر و ده برسانید. اعلامیه ها و شیره های انقلابی را خوانده و به آشنایان نیز بدهید تا بخوانند.

۳- با طرد عناصرا نحمینهای اسلامی که چهره شان بعنوان جاسوسان حزب جمهوری افشاء شده خائنینی چون توده ایها و اکثریتی های راست را که این روزها بیش از پیش - نوکری جیره و مواجب رژیم شده اند و اقدام های رژیم را تحت پوشش با صلا ح میا رزات ضد امپریالیستی رژیم حمایت میکنند افشاء نموده و از صفوف خود بیرون کنید.

۴- استقلال، کار، مسکن، آزادی - مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شورا های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان، تا بودیا دامپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و بایکا داخلی - اش.

کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان.

## اعتصاب بکارخانه شکوه مند کارگران استان لرستان

بدنبال قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه و تعویض مدیران لیبرال بعضی از کارخانه ها، با مدیران - "مکتبی"، مدیریت لیبرال کارخانه - استان لرستان نیز تغییر میکنند و جای آن دو مدیر "مکتبی" به نامهای خبریوشا عیان از طرف دولت به کارخانه فرستاده میشود. مدیران مکتبی از بدو ورود، در ادا مسه حرکتی از شکا رگری مدیران سابق، دست به حرکتی از جمله قطع مزایا، پرداخت - دستمزد در آخر هر ماه بجای، دو هفته یکبار، تحت فشار گذاشتن کارگران زن در مورد رعایت حجاب اسلامی و... میزنند.

مدیران مکتبی که به پیشگرمی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در کارخانه تاخت تا ز میگردند، اینبار به حرکت ضد کارگری دیگری دست میزنند، که با اعتراض یک پارچه و با شکوه کارگران مواجه میشوند.

مدیر مکتبی در ادا اعمال ضد کارگری خود، روز چهارشنبه ۲۴/۶/۶۰ حکم اخراج یکی از زنان کارگران را بدلیل - نداشتن روسی ما در میکند، در کارگری چون روریش را امدل حجاب اسلامی نیست، مشمول همین حکم میشود. زنان کارگر که از این عمل مدیریت خشمگین شده بودند دست از کار میکشند و همگی برای در میان گذاشتن مسئله با کارگران مرد به آنها میروند (ما عت آنها مردان، بعد از زنان است). بعد از مطرح کردن موضوع، کارگران، همگی از - اخراجیها حمایت کرده و از رفتن به سرکار - ها ایشان خودداری میکنند. آنها میگفتند:

"مروزا اینها را اخراج میکنند، فردا نوبت ما است" آنها ضمن حمایت از اخراجیها علیه مدیران ضد کارگرا میدادند - حشری، شجاعان، اخراج با بدگرددند. همچنین به عدم پرداخت حقوقشان در موقع مقر - همیشگی (هر دو هفته یکبار) اعتراض داشتند رئیس شورا که حامی مدیران است پشت تریبون رفته و میگوید: "این مدیران از طرف دولت آمده اند، ما نمی توانیم کاری بکنیم". کارگران یکصدا میگویند: "مال بدبخت ریش ما حش". مدیران از ترس آفتابی نمیشوند. کارگران یکی پس از دیگری - پشت تریبون، قرار میگیرند و ضمن افشای دزدیهای مدیران مشکلات مشترکشان را با هم در میان میگذارند. کارگری میگوید:

"وقتی من بجهام مریض است، پول ندارم به دکتری برسم، ۲۰۰ تومان از همکارم قرض - میکنم و وقتی پول دکتری بیشتر میشود، بجه - ام میگوید: پدر من حال خوب است، در -

حالیکه در تب میوزد، این درد است. تجمع کارگران با شورهیجان و افشاگری علیه مدیران ضد کارگرا تعطیل شدن کارخانه (بعد از ظهر) ادا ما میباید. در آخر، بقیه در صفحه ۲

# دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

# ارگان سازمانی و نقش آن (ه)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان = نثریه = سازمان دهیم.

گفتم که تمام تشکیلات و طیف مرتبط با آن باید در خدمت توزیع ارگان باشند و بهر طریق ممکن در جهت زمان دادن این امر بکوشند. ولی این یک سوی مسأله است از سوی دیگر تمام تشکیلات باید در خدمت تهیه ارگان قرار گیرند.

در این رابطه باید از تمام شبکه‌ای که جهت توزیع ارگان ایجاد میگردد و از تمام میکانیسم‌هایی که ارگان بپخش میشود سودبرد. (کلا) رفق با یکدیگر ملاقات کنند این شبکه وسیعترین شبکه سازمانی است که مستقیمترین و بیشترین ارتباط را با توده‌ها دارد. باید این شبکه را در عین سود بردن جهت توزیع تهیه ارگان در خدمت تهیه امکانات مثل خانه، تومیل و سایر ضروری و... کمک مالی قرار دهیم (هر رفیق هر هوادار، هر کارگر پیشرو، هر دانش آموز، هر زحمتکش مبارز یک شاخک حساس است که باید تمام میحرکات جامعه را به ارگانهای سازمانی منتقل کند. همه رفق با یکدیگر علاوه بر اینکه در جامعه نقش بیک سازمانی را ایفا میکنند خبرنگاران سازمانی نیز باشند. این کافی نیست که فردی فقط یک عامل فعال در پخش و مروج روزنامه باشد. بلکه لازم است که به خود روزنامه هم کمک کند... (اصول تشکیلات حزب کمینترن).

"برای اینکه بتوان امور مربوط به شهرو دولت را در روزنامه (البته نه در رساله ساده) نوشت باید در یک تازه و همه جا تهیه در دست داشت که توسط شخص کاردانی گردد - آوری و تهیه شده باشد... برای این امر ستادی از نویسندگان کارشناس، مخبرین کارشناسی و ارتشی از خبرنگاران سوسیال دمکرات لازم است که با همه و هر جا را بطور قرار سازند. بتوانند "ساردولتی" را (که کارمند دولتی روس آنقدر به آن میبالند و آنقدر آنان بیروز میدهند) بدست آورند و در هر پشت پرده‌ای راه بیاورند" (لنین چه باید کرد؟ تاکیدات ازماست) سازمان نیازی به لشکری از خبرنگاران ندارد. - لشکری که در هر کجا برآکنده باشد تمام اخبار و وقایع کارخانجات را به ما برساند. - اتفاقات، بخشنامه‌ها و "سرار" ادارات و وزارتخانه‌ها را سریعاً منتقل کند. نبض جنبش دانش آموزی و دانشجویی را در دست سازمان نهد. به ما بگوید که در هر محل توده‌ها چگونه می‌اندیشند و مشکلاتشان چیست، خواسته‌ها و نیازهای روستائیان و شیوه‌های پیشبرد آنرا برای ما بنویسند. لشکری از خبرنگاران که در هر کجا حضور دارند و سازمان را از هر واقعه، هر تغییر، هر جنبش، هر حرکت رژیم و توده‌ها آگاه میسازند. "هر اتفاق می‌گردد که در کارگاه می‌افتد، چه اجتماعی و چه اقتصادی از وقوع یک حادثه تا جلسه عمومی

کارگران، از رفتارناشایی که با یک کارآموز شده تا گزارش مالی، یا بدیلاقامه به روزنامه تزارش شود. بخشهایی که در اتحادیه‌های کارگری کار میکنند موظفاند که کلیه تصمیمات و مصوبات مهم را که در جلسات و یا توسط دبیران اتخاذ شده اند و همچنین کارهای مشخصه دشمنان ما را به روزنامه ارسال دارند. زندگی عمومی در خفا با تله و در مجالس معمولاً به اعضا بسا دقت حزب این موقعیت را میدهد که با تقادات اجتماعی و مونتکافانه‌ای مطرح نمایند... (اصول تشکیلات حزب کمینترن) - تاکید ازماست.

رفقای کارگر با یکدیگر اتفاق کارخانه، هر گفتگویی که به بیان نگردهنیاات کارگران است، هر حرکت اعتراضی هر خواسته و تمایل کارگران، هر برخوردی که با کارفرما بسا عوام‌شناسی پیدا می‌آید، تمام میحرکات انجمن - های اسلامی، شورا و مدیریت... را به ما گزارش دهند.

رفقای دانش آموز با یکدیگر می‌وقایع مدرسه، برخوردهای اموری تربیتی، نظریات دانش آموزان، حرکات و مبارزات آنان، پیشرفت فعلی آنها، صنفی و سیاسی، شکل - های موجود و... را برای ما بنویسند. تمام می رفق موظفند نظریات توده‌ها، بیرونی‌های مردم با مسائل، شیوه برخوردشان با رژیم، جو سرکوب، نیروهای مترقی و مسائل اجتماعی، مشکلات محل و شیوه حل آن و... را گزارش دهند. ما باید در هر کجا با شیم، شما رفق با یکدیگر زمان را به هر کجا بپسیرید، تحریه ارگان با یکدیگر کارخانه - هروستا، هر محله و هر مدرسه و یا دکان - حضور داشته‌باشد و از تمام می وقایع و اتفاقات آن اطلاع یابد.

با یکدیگر جنبش، اخبار حرکات رژیم و عوامل آنرا گزارش دهید. در ادارات، بدنیال کسب خبرها شید، از کارخانه - بخشنامه‌ها را ارسال کنید از محله حرکات بسیج و مسجد و کمیته و حزب الهی‌ها را بنویسید. خبر بسا دگی بدست میاید ما باید آنرا پرورش داد. با یکدیگر ملاقات و توتوی قضیه را در آورد و گزارش را کامل کرد باید بدنیال وقایع را گرفت. برخورد منفعلس در این مورد بدترین نوع برخورد است. اگر می‌شنویم سرخیان یا ساداری ترور شده نباید همین مسأله را گزارش کنیم، باید فوراً در محل حضور یابیم، نظرات مردم، برخوردهای موجود و کنش‌های ارگانهای سرکوب و غیره را بنویسیم. اگر میدانیم در محله‌ای خانه‌گردی شده است یا بدینجا رفت (مسلمان) با توجه مناسب از تمام می جوانب مسأله و تا کنیکهای رژیم اطلاع - حاصل کرد، هرگاه در کارخانه‌تان کارگران

یک قسمت اعتراضی را سازمان داده‌اند یا بدیه شیوه‌ای مختلف (که مسلماً هر کارگری چندین روش در این مورد میداند) با آنان تماسی برقرار نمود و گزارش کاملی از مسأله تهیه کرد. اگر می‌شنوید در یادگان قسری دست به تنبیه بدنی زده‌است یا بخشنامه‌ای از ستاد مشترک آمده یا بدیبا شکردهای خاص و مبتکرانه از چند و چون - قضایا پرده برگرفت و آنگاه گزارش داد. یا بدیخبر را دنبال کرد، یا بدی آنرا پرورد و سپس گزارش داد. (این مسأله به معنای آن نیست که هرگاه نتوانستیم بدنیال خبر برویم گزارش بنویسیم بلکه به معنای لزوم پیگیری و جدوجهد در این مورد است.) نباید بسا دگی از کارکنان رسالت و مطالب گذشت خبری که در وهله اول به نظر شما همیت میرسد نگاه که بسا سلسله اخبار ریدست آمده از تمام می تشکیلات جمع گردد ممکن است حلقه مهمی را تشکیل دهد. برخورد و اظهار نظرها از سوی توده‌ها که به نظر بسیار عادی - میاید نگاه که در زنجیره صدها گزارش قرار گیرد خود حلقه‌ای از تحلیل ذهنیت توده‌ها را بدست میدهد. باید با دقت عمل کرد. با بدیخبرها که به توده‌ها و جنبش آنان و به رژیم و حرکاتش مربوط میگردد گزارش داد. اگر سوسیال دمکراتها بی که در مناطق مختلف کار میکنند، تشریح جزئی از آن خود بداند و تریب دادن ارتباط منظم با آن، بحث در باره مسائل و مشکلات آن و انعکاسی دادن کل جنبش برای آن وظیفه اصلی خود بداند تا وقت است که میتوان خیلی ساده با در نظر گرفتن احتیاطات امنیتی در باره تهیه اطلاعات کامل در باره جنبش مطمئن شد. (لنین یک مسأله میرم - کلیات جلد ۳ - دوتا که آخر ازماست)

بهر رفق با یکدیگر جنبش را انعکاس داد و این مسأله تنها و تنها زمانی میسر است که هر رفیق در مورد جزئی که در آن قرار دارد بدقت و با پیگیری کامل عمل کند و سیستم منظم گزارش دهی از تمام می نقاط تشکیلات، توسط تمام می لشکر خبرنگاران شکل داده شود. از اینرو ما در شما ره بعدی بررسی مسأله گزارش دهی میرد رژیم.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

# نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۱  
شهرپائی

را بردوش دارد، جدا کشتارهای خود را دریا ز- سا زنی ارگانهای ضربه خورده در منجمله شهرپائی بکار میبرد. از همان ابتدا سعی در بسی محتوا کردن تشکلهای توده ای (شوراها) - کرده و کمربند توده ای آنها بست. اما از آنجا که با رشد و گسترش اعتراضات توده ای و فعالیت نیروهای انقلابی مواجه بود، به سادگی موفق به اینکار نشد اگرچه فتاوی مکرر خمینی برای پیشگیری از مبارزات - پرسنل انقلابی اعم از ارتش و شهرپائی تا حدودی موثر افتاد اما تجربه هر چند اندک درباره مورتوسط ارگانهای منتخب پرسنل مانع تسلیم بی قید و شرط آنها به خواستهای رهبری سازشکاران است.

آنچه برای رژیم جمهوری اسلامی مهم است، با سازی این ارگان سرکوب از هم پاشیده برای حفظ سیستم است، اما انجام اینکار را وجود حرکات توده ای و تجربیتهای پرسنل از قیام، بسا دگی برای رژیم میسر نیست. از اینروست که رژیم برای مهار زدن حرکات توده ای از سوی ارگانهای نظیر کمیته ها و سپاه پاسداران که خود در ابتدا در برگیرنده متجانس ترین عناصر بود سؤدمی جوید. در بسیاری از کلانتریها، کمیته ها مستقر شده اند تا کنترل اوضاع - شهرپائی را در دست گرفته و بر آنها اعمال حاکمیت کنند. این مسئله سبب مقاومت و درگیریهای بسیار بین پرسنل شهرپائی و کمیته ها میشود، چرا که شهرپائی که زمانی خود سردمدار ارگانهای سرکوب رژیم شاه بود بسا دگی حاضر نیست زیر چتر کمیته ها حرکت کند. این عدم تمکین به کمیته ها سبب تشدید تضادها بین آنها شده و حتی در برخی نقاط به رویا رویی مسلحانه کشیده شده است. این کشمکش ها و درگیریها در - شرایطی که درگیریهای بین جناحهای - حاکمیت حادث شده همچنان ادامه داشته اما بتدریج که حزب جمهوری با اتکا به خمینی مواضع خود را در ارگانهای حکومتی مستحکم کرد و با تعویض فرماندهان مکتبی بجای فرماندهان لیبرال کاهش یافت. در حال حاضر نیز که حزب جمهوری خیالش از جانب لیبرالها همیزان زیادی آسوده گشته، سعی در استفاده هر چه بیشتر از نیروهای - شهرپائی دارد. این تلاش از دو جنبه برای حزب حائز اهمیت است. نخست استفاده از تجارب شهرپائی بعنوان اولین نیروی سرکوبگر حداقل تا قبل از قیام و دیگری افزایش کمی نیروی سرکوبش و تا حدودی - تا مین جانی برای پاسداران سرما پسته بهمین جهت از داده اطلاعات و ضداطلاعات - انجمنهای اسلامی و ادارات زرسودا بهره سیاسی ایدئولوژیک گرفته تا پستهای - فرماندهی سعی در جایگزینی عناصر مکتبی داشته و در این مورد از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. در مواردی که با کمبود نیرو مواجه میشود نیز از عناصر لیبرالی که برای حفظ مقام به لباس مکتب در آمده اند سود می جوید. این عناصر در صورت عدم تمکین به خواستهای حزب خطرناک سازی تهدیدشان میکند، اینست که برای حتی مکتب حزب را - می پذیرند. حزب جمهوری اسلامی میکوشد، بقیه در صفحه ۱۴

که هیچ نیرویی (هر چند ریضا هر شکست نا پذیر بنظر آید) نمیتواند مانع خشم انقلابی توده ها شود و روزی که توده ها با خیزند قدرت - مندترین حکومتها را برانند و خود را بر سر کار آورند. همچنین رژیم شاه و مزدوران و وابستگانش را به زباله دان تاریخ سپردند. این نیروی لایزال توده ها بود که بسیاری از مزدوران و فرماندهان ارتش و شهرپائی را به محاکمه کشاندند. قیام شکوهمند توده ها درس عبرتی به سرسپردگان داد که بسا دگی فراموش شدنی نیست. بسیاری نخواهد بود که دیگر بار ریزش این قهرمانان انقلابی، مزدوران جمهوری اسلامی را که حکومت خود را ابدی میدانند به سزای اعمالشان برسانند.

باری، شهرپائی بدلائلی که فوقا "متذکر شدیم" به اولین نیروی سرکوبگر مورد - تنفر و خشم توده ها به بیش از سایر ارگانها رژیم در اترقیام قهرآمیز توده ها مورد حمله قرار گرفته و شیرازه اش از هم گسیخته شد. بطوریکه انسجام قبلی را بکلی از دست داده است و بسا دگی نمیتوانند نظم سابق را برگردانند. بموازات با این از هم پاشیدگی، وبدلیل وجود حرکات وسیع توده ای در سطح جامعه، نیروهای ضداقلابی در شهرپائی نیز کسه مضمون از خشم انقلابی توده ها نشانه بودند جرات نفس کشیدن نداشتند، این عوامل سبب گردید که نیروهای انقلابی، بطور وسیع ریبی رقیب دست به ایجاد تشکلهای توده ای بزنند و همگام با توده ها حرکت کنند. در بسیاری از موارد شوراها و کمیته های منتخب پرسنل تشکیل شد، شوراها و کمیته های منتخب پرسنل به تشکل پرسنل شهرپائی اقدام کرده و سعی در ارتقا آنگاه پرسنل نمودند، بطوریکه تا حدودی قدر قدرتی فرماندهان مزدور به طور عینی برای پرسنل شکسته شد و به قدرت - خویش پی بردند، آنها فهمیدند که با اتحاد و تشکل خود میتوانند بسیاری از حقوق پایمال شده خویش را بکف آورده و در جهت پیوند بسا سا براقشار خلق (که خود برخاسته از بطن آنها هستند) بکوشند.

تجربه قیام، علاوه بر وجود آوردن تشکل های توده ای نظیر شورا، درس عبرتی شد برای بسیاری از عناصر آنگاه شهرپائی، بطوریکه هم اکنون دیگر بسا دگی حاضر نمیشوند همانند رژیم گذشته، آلت دست حاکمیت نزار گیرند، بی تفاوتی بسیاری از مأموران شهرپائی نسبت به تخلفات مخصوص در ماه های اول کیه پس از قیام بخوبی بیانشنگسز این مسئله بود. بدینگونه شهرپائی متاثر از قیام توده ها و قهرمانان انقلابی آنها سعی می کند حتی المقدور از درگیریهای سیاسی کنار ره گیری کند. اما این امر متضاد با منافع حاکمیت است. رژیم جمهوری اسلامی کسه رسالت حفظ سیستم ضربه خورده سرما پهداری

نقش و ویژگی خاصی میباید بین جهت لازم میدانیم، به بزرگی وضعیت نیروهای مسلح رژیم بر داخته، موقعیت و نقش آنها را از پائی کنیم. در این قسمت سعی ما بر اینست که تحلیل مختصری از شهرپائی، اعم از ویژگیهای آن، وضعیت آن در جریان قیام، - تا شیرات قیام بر شهرپائی، وضعیت کنونی و چشم انداز آینده آن ارائه دهیم. ابتدا میپردازیم به ویژگیهای شهرپائی: تا قبل از قیام توده ها، مردم کلانتریها و شهرپائی را بعنوان اولین نیروی سرکوب کننده حاکم رژیم شاه در مقابل خود می دیدند بر خلاف سایر ارگانهای مسلح - نظیر ارتش، زاندارمری، نیروی هوایی و... شهرپائی از آنجا که بدلیل وظایفش (بظاهر تا مین امنیت شهر) مستقیما "بطور روز - مره در مقابل توده ها قرار داشت، بیش از سایر ارگانها بعنوان یک نیروی سرکوبگر برای توده ها ملموس بود، شناسایی و دستگیری نیروهای انقلابی، جراثمراهنا - بی وراثندگی، دزدیدها، قاچاق و بخصوص با چگیریها و رشوه خواریه از مردم کسه بطور گسترده و وسیعی رایج بود، از آنجا که مستقیما "مرتبط با مردم بود، نفرت و کینه مردم را بیش از سایر ارگانها بر مسمی نکسخت با این دلیل بود که بحق توده ها آن را بمنشا به اولین نیروی سرکوب در برابر خود می یافتند و بواسطه هم تا قبل از قیام شهرپائی علیرغم قدرت محدودش همیشه در رأس سرکوب حرکات توده ای قرار داشت. در تجربه قیام نیز توده ها به بعینه شاهد شرکت وسیع و فعال کلانتریها و شهرپائی در کشتار مردم بودند و دیدند که چگونه کلانتریها و شهرپائی بیشترین مقاومت را از خودشان میدادند و بهمین جهت نفرت و کینه شان بیش از پیش گسترش یافت - ما شینهای گارد - شهرپائی، ما موران کلاه خود بسرور رژیم را همه در روزهای قیام بخوبی بیاد دارند و این چیزی نیست که بسا دگی فراموش شود، به همین جهت است که می بینیم در جریان قیام نفرت توده ها بیش از سایر ارگانها گریبان - گیر شهرپائی شد، توده ها که کینه ای چندین ساله از این ارگان سرکوب در دل میپروانند در قیام بهمین بعنوان اولین عامل سرکوب آنها را حمله خود قرار دادند و ظرف مندا ته بسیاری از کلانتریها را واداره تسلیم کرده و به تصرف خود درآوردند. بسیاری از فرماندهان - دهان مزدور که حکومت پوشالی شاه را - جاودانی میداندستند از ترس توده ها فرار را برقرار ترجیح دادند، و برخی از آنها نیز سر گرفتارانتقام انقلابی توده ها شدند و بدار آویخته گردیدند. آری توده ها درس خوبی به این مزدوران و سرسپردگان رژیم شاه دادند و این واقعیتی است انکارنا پذیر

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# تحقق کودتا:

از ۱۹ اسفند تا ۲۸ مرداد

## یادداشت‌های تاریخی

قبل از تمرین کودتای نخستین و با فرجام ۱۹ اسفند ۱۳۳۱، عملیات خرابکارانه هم‌زمان و در چند جنبه آغاز گشت. ارتش - دست نخورده هم‌تا به محکم‌ترین سنگرزیم بندری در شهرستانها مستقر شد و عرصه را بر اجتماعات و اعتراضات مردم تنگتر کرد. روحانیون مساجد را علیه دولت مصدق بکار گرفتند، مجلس هفدهم به ریاست آیت‌الله کاشانی و با همدستی و همسویی نمایندگان دربار و عناصر حزب زحمتکشان، به پایگاه ارتجاع مذهبی و توطئه‌های درباری تبدیل گشت، دولت‌های امیربالیستی نیز در حالیکه مذاکرات مجرمانه را در بر انداختن دولت و تعیین جانشین دکتر مصدق پیش میبردند، از طریق رسانه‌های جمعی به هشداری تهدید بر می‌آمدند و افکار عمومی جهان را علیه جنبش فداستعماری مردم بر مسمی - انگیختند، از اوایل ۱۳۳۲ دکتر مصدق خود، چنانکه بعدها تلویحاً در دادگاه میگفته در هر اس از اینکده از "جائله‌ها" نیفتد، با اتخاذ نوعی سیاست تسلیم‌وسازش به کودتای میانه‌دستی احزاب نیز در این زمان، در - جای خود سخن خواهیم گفت.

میدانیم که در انتخابات مجلس هفدهم که بطور ناقص انجام شد، آیت‌الله کاشانی، علیرغم مخالفت‌های جناح مصدق، ریاست مجلس را با ۲۱ رای از ۲۲ رای بدست آورد. حضور و نفوذ و در به انحراف کشانیدن مذاکرات مجلس و بیاری دادن عمال کودتا، سخت‌موش افتاد. از جمله در گرما گرم ملی شدن نفت و واچگیری مبارزات فداستعماری، دارو - دسته کاشانی با حمایت بقائیه‌ها، قانون منع مشروبات الکلی را پیش کشیدند. همه کوشش جناح مصدق در به "تعمیق انداختن" اجرای آن قانون به "علت عدم فوریت" و "وفور مشکلات سیاسی به جانی نرسید" - مسئله مشروبات الکلی "امریحائی" و "عاجل" - منحل شد. کاشانی جلسات متعدد مجلس را به این امر اختصاص داد. در انتقاد از نمایندگان که "عدم فوریت" آنرا با دآوری می‌کردند، به "گله" برآمد، که چرا در مجلسی که "عده‌ای از آقایان علما عضویت دارند" برای "انجام یک امر اساسی" زحمتی "که" "دین مسلمانان" و "تعالیم الهی" آن را از آنها واجب شمرده‌اند، این همه "تعلیل" روا میدارند. در حالیکه با بدستورات و - "احکام اسلامی" مقدم بر سایر امور باشد.

در همین رابطه، از مهرماه ۱۳۳۱ روحانیون به سرکردگی کاشانی به طرح "کنگره اسلامی" و "اتحاد اسلامی جهان" پرداختند. جان کلام آن اینکه مبارزه با استعمار با یدای طریق نمایندگان دول اسلامی انجام گیرد. از این رهگذر نخست با یدیه "هماهنگی دولت و ملت" کوشید، مردم را بجای تظاهرات بی‌بهره و انرا زخم به "صلح‌دوستی" و برقراری

"صلح‌جهانی" فراخواند، از "تفرقه و تفاسد" دوری گزید. برای پیروزی ملت‌های اسلامی در برابر "استعمار جهانی"، با یدیه رجه - زودتر کنگره‌ای مرکب از نمایندگان دولت‌های اسلامی و احزاب اسلامی فراخواند. از جمله نمایندگان "آخوان المسلمین"، نمایندگان دولت‌های مصر، سوریه، عربستان سعودی، اردن، مراکش، تونس، عراق، افغانستان و ایران. هدف کنگره و اتحاد اسلامی "استقلال" مسلمانان جهان از استعمار "یلکش شرقی" و غربی" و ایجاد "قشون ۴ میلیونی" برای - حفظ بیطرفی است. کاشانی در مصاحبه با "لوموند" در مهرماه ۱۳۳۱، میگفت: "اتحاد نظامی دول مسلمان و تشکیل یک ارتش واحد" نخستین کوشش ویرانه‌کننده خواهد شد و "ارتش واحد اسلامی، قشون نیرومندی با ۴ میلیون سرباز خواهد بود". "هم‌چنین" - وحدت اسلامی "تنها راه مبارزه با "پراکندگی" مسلمانان و جلوگیری از "داخلت‌های ناسا" بجای "ایر قدرت" هاست. راه دیگری وجود - ندارد.

اما "مهمترین خطر" استعماری در مسائل بهره‌کشی قتل‌اندی و سلطه سیاسی نیست، بلکه فقط "سست کردن بنیاد ایمان" است. از چه طریق؟ از طریق "گسترش فحشاء" و "ترویج مشروبات الکلی". این است هدف عاجل و حیاتی که با ید دولت‌های اسلامی دنبال - کنند. زیرا اگر "دژ" فحشاء و اعتیاد دیشکنند، دیگر "ملل اسلامی آلت دست نخواهند بود". مبارزه با استعمار جهانی یعنی "احیای اسلام" و تبلیغ "شعائر اسلامی" که خود "پناهاگام" برای ملل مجربان جهان و سد سلطه شرق و غرب است. از این رو کنگره اسلامی که کاشانی تشکیل قریب الوقوع آن را اعلام میداشت، میبایست برای رسیدن به "آرمان مقدس، همه - مسائل مربوط به "مورسیاسی، ادبی، - فرهنگی، و اقتصادی" کشورهای اسلامی را در برنا مه خود بگنجاند. (پیام آیت‌الله - کاشانی به ملل مسلمان جهان، ۱۳۳۱).

در مسائل جدوتکا یا نیز آخوندها به سستی با سیاست دولت و به پشتیبانی از سلطنت برآمدند، میلیون‌مورد لعن و طعن قرار گرفتند، از جمله مردم خرم‌آباد که خطابه‌های آقای خمینی علیه "صدر" نماینده - مصدقی مجلس بودند. خمینی مردم را از - انتخاب او بر حذر میداشت و در برابر او از نمایندگان راست پشتیبانی میکرد. اکنون روحانیون شایع کرده بودند و در - اعلامیه‌ها میگفتند: "مصدق" ملحد" است، و رساله دکتری خود را در سونیس علیه قونین - و احکام اسلامی نگاشته. در این روزها بود که به تحریک آخوندها اسیدپاشی و آزار - زنان بی‌حجاب رایج گشت و همه شکایات و اعتراضات کارمندان زن، در جهت افشای محرکین، بی‌ثمر ماند.

از این پس همکاری و همسویی روحانیون با سران کودتا آشکارتر و بارزتر شد. نمونه - ای میسروریم: پس از افشاشدن طرح - کودتا، دکتر مصدق، فضل‌الله زاهدی را در ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱، به عنوان شریک طرح زندان انداخت که البته با وساطت دربار در ۲۶ - مهر آزاد شد. در فروردین ۱۳۳۲، بدنبال - قتل افشارطوسی رئیس شهرپاشی و هوادار دولت که بدست زاهدی و بقاشی انجام گرفت با ردیکر مصدق حکم توقیف زاهدی را صادر - نمود. زاهدی بدنبال آزادی، و به بهانه - اینکه "امنیت جانی" ندارد در مجلس تحصن جست، کاشانی از او به گرمی استقبال نمود. "خدمات" او را در "نهضت ملی" ستود و از - "مزاخمت"‌ها که مصدق برایش فراموش کرده، اظهار "تاسف" نمود. (کیهان، ۲/۱۴/۳۲). درخواست زاهدی نیز این بود که - هیاتی به نمایندگی کاشانی به "اتهامات" او رسیدگی کند.

اکنون عمال سیا و نفت خواران که کودتا را تدارک میدیدند، روحانیون را - همدستان قابل اطمینان خود محسوب می کردند. نمایندگان سیاسی انگلیس گزارش - و احصایات میلیون‌ها شیعه ایران و پاکستان و حتی روسیه شوروی نفوذ و قدرت فوق‌العاده - ای دار و پدید آورد. از نزدیک تحت نظر گرفت. "کیم روزولت" فرمانده عملیات تکویتا نیز تا شید میگرد که در این مقطع "افسران - اکثرا" به شاه و فدا را برودند، انگلیس‌ها روی روحانیون حساب میکردند. اما از - دستگاریان و مدارس کاشانی تا میدوبیم، حزب بوده که هنوز از جناح کاشانیسی دفاع میکرد، معترف بود که از ۱۵ بهمن و پس از تیراندازی به شاه "جناح کودتای بقاشی" زاهدی "می‌کوشید روحانیون و آیت‌الله کاشانی را بسوی خود جلب کند، بدین - منظور دشمنان مصدق، با زرنگی خاصی کاشانی را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا بتوانند مقابل مجلس و دولت را بصورت مقابل کاشانی - مصدق در آورند. "با اینحال" مطبوعات حزبیه با آیت‌الله کاشانی توجه میکردند و هر اقدام مثبت او را مورد تائید قرار میدادند. " (تجربیه - کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۳۵).

در باره حزب زحمتکشان، به همین اعتراف دکتر بقاشی بس می‌کنیم که در دفاعیات خود میگفت: هیچ‌کس در ایران به انداز من و دوستانم بر ضد انقلاب مبارزه نکرده است. (دفاعیات دکتر مظفر بقاشی، ۱۳۴۰).

اما در رابطه با ارتش که دیرباز زود، و به علت فقدان رهبری جنبش به سرکوب - خیزش توده‌ها بر می‌آمد دکتر مصدق پس از اطلاع از نقشه‌های تیمسارها، ۱۳۳۶ فسرعالی رتبه را بازنشست کرد، همین افسران بودند که سرکردگی کودتای ۱۹ اسفند را عهده‌دار گشتند. اکنون که اتحاد عمل نیروهای فدا انقلابی مرکب از روحانیون، حزب بقاشی و ارتش میسرگشته بود، دولت‌های امیربالیستی به پیداه کردن نخستین طرح برآمدند. در ۱۴ بهمن ۱۳۳۱، کیم روزولت (کیم روزولت، نوه رئیس جمهور رتشد و روزولت و پسرعموی رئیس جمهور فرانکلین روزولت بقیه در صفحه ۱۲

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# علیرغم اخراجها، دستگیریه نازحوی ها و اعمال فشارها به معلمان و...

بقیه از صفحه ۱

پاسداران و بسیجدر "حفظ نظم مدارس" قصد دارند هرگونه نفخه مخالفی را با سرکوب خشن پاسخ دهند. اما کار رفتار و اختناق در مدارس با اینجا خاتمه نمی یابد. اعمال فشار نسبت به معلمان مبارز که نقش آگاهی دهنده به دانش آموزان را ایفاء میکنند با شدت ادامه دارد. در ادامه موج "پاک سازیهای" سالهای قبل که هزاران معلم را در بر گرفت در طی تابستان امسال عده زیادی را از کار برکنار کردند و هم اکنون مرحله دوم پاکسازی یعنی افرادی که بزعم آنها "مشکوک" هستند آغاز شده است. بنظر میرسد کار جاسوسی از طریق مریبان نیروی ومدیران مدارس وهمکاران حزب الهی ودانش آموزان انجمن اسلامی دربارها معلمان کافعی نبوده که اینروزها به بازویی خانه های معلمان پرداخته اند. در ظرف چند هفته گذشته خانه های تعداد زیادی از معلمان توسط نماینده دادسرای انقلاب اسلامی و نماینده وزارت آموزش و پرورش بهرام پاسداران مورد بازجویی قرار گرفته و همسایگان آنان مورد بازجویی قرار گرفته اند. آنها در نهایت وقاحت ایسر خانه گردی و بازجویی را پس از ساعت ۱۰ شب انجام میدهند تا در اذهان همسایگان "کشف خانه تیمی" را القا کنند! این اقدامات که از مدتی پیش آغاز گردیده - اکنون با شدت ادامه دارد و بطوریکه هر معلمی در انتظار چنین بازدید دوستانه ای است!

همچنین با بازجویی از همسایه ها و با زرسی خانه ها و مانند آن ساعتهای در خانه در مورد کسانیکه تقاضای استخادم در وزارت آموزش و پرورش را داده اند اعمال میشود. ما مورین مربوطه بدون اجازه فرد متقاضی بدر خانه های همسایه های او رفته و در باره او تحقیقات میکنند. به خانه فرد متقاضی رفته و کتا بهای او را وارسی میکنند و با کمال وقاحت از تمام کسانیکه به خانه فرد متقاضی رفت و آمد میکنند در باره او سؤال و تحقیقات میکنند. کار تفتیش عقاید تا آنجا گسترش میابد تا اینکه کمالاً از وضع او اطلاع پیدا کرده و با ملاحظه خط او را بفهمند تا اگر از حزب الهی ناب تشخیص دادند استخادمش کنند!

اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی که رژیم در باره دانش آموزان و معلمان مرتکب میشود و سیاستهای ضد خلقی که رژیم در نابودی فرهنگ مردمی و انقلابی بکار می برد و قصد دارد که فرهنگ قرون وسطایی را در مدارس پیاپی بدهد و این مسائل را بیش از هر کس دیگر آموزگاران و دبیران بسا گوشت و پوست خود لمس میکنند و احساس مسئولیتی که این قشر آگاه جامعه در قبال خیانتهای جنایات رژیم میکند محیط مدارس را به شبکه های روتی تبدیل کرده است. -  
هم اکنون تعداد زیادی از دانش آموزانی که از مدارس اخراج شده اند همه روزه در جلوی آموزش و پرورش نواحی به نظاهرات اعتراضی مشغول هستند و خواستار

# دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی هم به جنگ حاضر شدند

آنها در دانشگاهها و مدارس عالی جلوگیری میکنند.

اما مسئله خط و نشان کشیدن برای کسانیکه به "اومردولت" تمکین نکنند در این اطلاعیه هم گنجانده شده و میسراند که برخلاف تبلیغات رژیم و مداحان توده ای و اکثریتی آنها که جوانان دسته دسته آماده "شهادت" و "جانبازی" هستند، رژیم ناچار است با تهدید به اخراج از کار و تحمل عواقب بعدی جوانان را وادار به معرفی خود کند.

بند ۴ اطلاعیه تهدیدات خود را چنین فرموله کرده است: "به کلیه روسای کارگزی دوا اردولتی و وزارتخانه ها و موسسات خصوصی و تولیدی و غیره اکتیفاً ابلاغ میشود به پرسنل جمعی که در مشمول این اطلاعیه قرار میگیرند ابلاغ کنند که خود را به حوزه های مربوطه معرفی نمایند تا در آئینه جوابگوی نهادهای مسئول باشند. و پس از خاتمه مدت اعزام چنانچه اینگونه پرسنل خود را معرفی نکرده و به خدمت اجتناب اعزام نشده باشند حق اشتغال بکار را نخواهند داشت."

همانطوریکه می بینیم بحث بر سر "رفتن به سر بازی نیست بلکه فرستادن اجباری در میان است! یعنی روسای کارگزی دوا اردولتی، وزارتخانه ها و موسسات خصوصی و کارخانه ها و غیره باید پرسنل خود را به نظام وظیفه معرفی کنند و در صورتیکه پرسنل از معرفی خود استنکاف ورزد آنوقت علاوه بر اینکه عاقبت محسوب شده و تحت پیگرد قرار خواهد گرفت از موسسه مربوطه هم اخراج خواهد شد!

رژیم ضد خلقی خمینی که برای سرپوش گذاشتن برنا راسا شیبه و ناتوانیهای که از حل آنها عاجز است ادا به جنگ را ضروری میداند و به وسیله ای که بتواند با تهدید ارباب، میخواد جوانان ما را به سر بازی - خانه ها جلب کرده و از آنها بعنوان گوشت دم توپ استفاده کند! تا چند صبا حی بیشتر به رژیم پویشی و متزلزل خویش ادا میدهد!

جنگ ارتجاعی و فرساینده ایران و عراق که از مرزبیکسال گذشته است علاوه بر خرابیهایی که نامانیها و نایبودی میلیاردها تومان ثروت ملی، مهمترین زهمه جان هزاران نفر از نیروهای جوان ما را گرفته است. مردم ما از آنجا شیکه این جنگ را - عا دلانته ندانسته و نمیدانند لذا رغبتی هم به شرکت در آن ندارند. آنها نه تنها طالب شرکت داد و طلبانه در آن، که لازمه هر جنگ عا دلانته است، نیستند و به لطایف العلیل از رفتن به جبهه مطرفه میروند بلکه سر بازانی هم که بناچار به جبهه اعزام میشوند در هر فرصتی برای فرار از جنگ اقدام میکنند. بطوریکه گفته میشود ادا را اجازات - ارتش (دژبانی) روزانه صدها بر گره فرار از خدمت برای پیگیری دریافت میکنند که بعلمت عدم مکان پیگیری بلا جرمیاند! از اینرو، برای تامین نیروی جدید که جانشین کشته شدگان و فراریان بشوند روزی نیست که ادا را وظیفه عمومی اعلامیه جدیدی برای اعزام افراد جدید به خدمت اجباری صادر کنند و برای کسانیکه "تمرد" کنند خط و نشان بکشند!

اخیراً (دوم مهرماه) اطلاعیه ای از سوی ادا را ره وظیفه عمومی صادر شده که در آن دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی - هم به خدمت احضار شده اند! در بند ۳ اطلاعیه آمده است: "دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی به علیی که ادا شنگاه یا مدرسه عالی مربوطه بحالت تعطیل در ادا شده است و در مشمول این اعلامیه قرار میگیرند بایدستی به خدمت اعزام شوند."

این بندهای دو شگفته است یکی این که از فرط استیصال و کمبود سر بازر جبهه به احضار دانشجویان متوسل شده اند، دیگر اینکه بدینوسیله میخواهند از "شر دانشجویان موجود که حتماً اکثراً مدرژیست هستند - خلاص شوند که گرا حیا نا "خواستند دانشگاهها را باز کنند و االاتعداد کمتری. دانشجو و بروربا شدند و در شانی بتوانند تحت عنوان فرار از خدمت از پذیرش -

با زگشت به مدرسه هستند. اکنون در هر کلاس مدرسه ای میزونیگتهای بسیاری وجود دارند که از وجود دانش آموزان مبابز خالی مانده است. دانش آموزان دوستان عزیز و مابا رزی را از دست داده اند که در سال - های قبل چون ستاره های درخشانی در محیط مدرسه می درخشیدند که با جوجه های اعدا مسپرده شدند و با هم اکنون در سیاهچال های مخوف خمینی به مبارزه و مقاومت ادا می دهند.

آری جای خالی این مبارزان جوان در نیمگتهای مدزسه آنها مشخص مبارزان دیگری است که با عزمی آهنین راه آنها را ادا می دهند.

معلمان آگاه و مبارز نیز با الهام از روحیه مبارزه جوانانه فرزندان دانش آموز خود و برادران و خواهران معلمی که بی در راه و راهای خلق جان باختند و با پشت میله های زندان قهرمانانه مقاومت میکنند نقش و رسالت انقلابی خود را علیه رژیم آزادیکش و ضد علم و فرهنگ خمینی که همه مظاهر تفرقی و تعالی را زیر پا گذاشته و یک حکومت سیاه را برقرار کرده است به انجام می رسانند.

بقیه از صفحه ۳

کارگران تصمیم میگیرند که روز شنبه ۶/۲۷ از ورود مدیران جلوگیری کنند. خشم انقلابی کارگران، مدیران خدکار رگرا که از سر در حوا خنزیده بودند و ادا ربه عقب نشینی می کنند. کارگران اخراجی روز بعد کما فی سابق به کار خود ادا می دهند.

کارگران انقلابی استار لایت یکبار دیگر نشان دادند که در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارگران، سرما به داران و نوکران ایشان مجبور به عقب نشینی اند. آنها با دید برای تداوم مقابله با سرما به داران و دولت حامیشان در جهت ایحادیک شورای انقلابی بکوشند.

اعتماد یکبار رجه و با شکوه کارگران استار لایت، رشت روز افزون آگاه کارگران را نشان میدهد. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و نوکران حلقه بگوش با دید اند که با بنگ غنچه های خشم انقلابی کارگران در حال شکفتن است. آنها دیگر حاضر نیستند ظلم و تعدی بین مزدوران را تحمل کنند. دیر نیست، زمانیکه این رژیم را هم مانند رژیم شاهان، با دستهای توانا نشان به گورستان تاریخ بپارند.

# اعدامهای دسته جمعی انقلابیون رژیم را

## از بحران کنونی نجات نخواهد داد

بقیه از صفحه ۱

هر چند حکومت جدید، در همان نخستین روزهای بقدرت رسیدنش دستش بخون خلق ترکمن، کرد و... کارگران و دهقانان ناگشته گردید، اما تا مدتها همچنان از پشتیبانی وسیع توده های متوهم برخوردار بود و مبنای تکیه بر توهمات ناگاهانه توده ها، جلوی رشد و گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی را سد نموده و لبه تیز آنرا کندنا میداد. اما بتدریج که توهمات توده ها در بر خوردن با واقعیات روزمره فروریخت، و حکمرانان جدید با یگانگی توده های غریب را از دست می دادند، سرکوب مستقیم و سنگین را بطور روز افزونی در دستور قرار می گرفت و ترور و اختناق جایگزین وعده و وعیدها و جابجایی ها و شیرین زبانیهای حکومت میشد. سی ام خرداد سال جاری را میتوان - نقطه عطفی در اعمال روشهای سرکوبگرانه حکومت محسوب کرد. حکومت از مدتها قبل برای سرکوب قطعی نیروهای انقلابی و سلب کامل حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی تدارک دیده بود، و پس از سی ام خرداد با سلب کامل آزادیهای سیاسی ترور و اختناق بی سابقه ای را در سرتاسر ایران حکمفرما گردانید. هر صدای اعتراضی با گلوله پاسخ داده شد، هزاران تن دستگیر و زندانی شدند، از نوجوان ۱۲ ساله گرفته تا زن حامله و پیرمرد، بدون رعایت ابتدائی ترین موازین قانونی و انسانی، دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده شدند. جرم بسیاری از اعدام شدگان حتی معلوم هم نگردید و حتی نام و نشان اصلی شان مشخص نشد.

دستگیر شدگان به وحشیانه ترین شکلی شکنجه شده و مورد با زجوشی قرار میگیرند، و آنها مات بسپاری از آنان کاملاً واهی و بی اساس است. داستان کل اخیراً طی مصاحبه ای - اعلام داشت که همگونه احتیاجی به تشکیل دادگاهها و غیره نیست، هر کس که مخالف رژیم جمهوری اسلامی باشد، بلافاصله پس از دستگیری بجرم مخالفت با اسلام و امام اعدام خواهد شد. در طول سه ماه اخیر بیش از هزار تن از بهترین فرزندان خلق اعدام شده اند و هم اکنون بسیاری از دستگیر شدگان در انتظار اعدام در بدترین شرایط ممکن در زندانها بسر میبرند.

رژیم جمهوری اسلامی با افزایش خشونت به مقامیک سیستم حکومتی، با درنده خوئی و سبقتی کم نظیر میکوشد تا هر صدای مخالفی را در گلوله غلغله ساخته و چند صباحی بیشتر به هیات تنگنایش ادا نموده، غافل از اینکه این تفللهای دیوانه وار نیز آنرا از مرگ محتومی که در پیش دارد نخواهد ساخت و رژیم جمهوری اسلامی در دریای خونی که غرور بدست خویش بوجود آورده است غرق خواهد گردید، همانگونه که رژیم دیکتاتوری شاه سرنگون شد و توسط رژیم پهلوی - های تروریستی هر چند بطور موقت رعایت و ترسی در میان توده ها ایجاد کرده و ضربات پرنیروهای انقلابی وارد ساخت، اما پیش از پیش موجب انقراض رژیم در میان

توده ها و در سطح بین المللی شده است. جنایات رژیم از طرف بسیاری از نیروهای انقلابی و مترقی جهان و نیز سازمانهای بین المللی محکوم شده است، سازمان عفو بین المللی نیز اخیراً "رسماً" اعدامهای اخیراً محکوم کرده است. موج تنفروا نزار نسبت به رژیم در سرتاسر جهان در حال گسترش است.

چنانچه تا گه رژیم در اینصورت مرتکب شده، آخرین بقایای توهمات توده ها نسبت به حکومت را زده است، خشم و نفرت عظیمی نسبت به این جنایات در میان توده ها نفع میگیرد، خشم و نفرتی که در آینده ای نسیه چندان دور در آتش فشان مبارزات گسترده توده ای منفجر خواهد شد و طوما را این رژیم را برای همیشه در هم خواهد پیچید و آنرا به گورستان تاریخ خواهد سپرد.

توده ها در میانه بند که بدون سرنگونی رژیم نه آزادی یکف خواهند آورد و نه هیچ کدام از خواسته های انقلابی شان دست خواهند یافت. هر چند توده ها در لحظه کنونی این توان را در خود نیابند که در یک قیام توده ای آنرا سرنگون سازند، اما اینک سرنگونی رژیم، در میان توده ها قوت میگیرد. موج ترور و اختناق و اعدامهای دسته جمعی هم چنین حاکی از بحران عمیقی است که سرتاسر را در بر گرفته است، این سرکوبها بیباکتر ضعف هیات حاکمه در حفظ اقتدارش شیوه های عوام فریبانه و ظاهری سازی است، رژیم دیگر پرده ها را در بریده و ما هیات ارتجاعی خود را بنام می در پیشگاه توده ها به نمایش گذاشته و وعده و وعیدها و جرم زبانیها را بدور افکنده است. زمانه داران کنونی آشکارا اعلام میکنند که بنیاد حکومت خود را بر پایه قهر، سرکوب و اختناق و نقض ابتدائی ترین حقوق و موازین انسانی استوار ساخته اند و درست نهمان شیوه ها می متوسل شده که کلیه رژیمها ارتجاعی را بجزوند برای حفظ حاکمیت خود برای آنکه چند صباحی لحظه مرگ خود را به تاخیر بینند و زندانبانها متوسل میشوند. این شیوه ها نه تنها در مستحکم کردن پایه های لوزان حکومت و تخفیف بحران فعلی موثر نخواهد بود بلکه با توجه به مجموعه بحران اقتصادی و سیاسی و وضعیت جامعه، بپروخامت بحران موجود از زده و ایما دوسیمتری به آن خواهد بخشید و زمینه را برای سرنگونی رژیم فراهم خواهد آورد. این سرنوشت محظوم این حکومت دردمنش است. هر اندازه که ارتجاعها را کم دیوانگی بکنند، بهما در سرکوب را گسترش دهد، بهترین فرزندان خلق را دسته دسته به جوخه های اعدام بسپارد، زندانبانها را پر بکنند، دستگیر شدگان را شکنجه نماید و غیره... از این سرنوشت و مرگ محتوم خویش رها نخواهد شد، فرزندان انقلابی خلق که این چنین دلورا ندر راه آرمانهای والای زحمتکشان شهید میشوند در قلب خلق های رزمنده جای دارند و قاتلان آنها از هم اکنون در پیشگاه تاریخ محکومند و در نهایت روزی که طوفان خشم توده ها آنها را از صفحه

روزگار معونما مید. جوانه های خشم انقلابی توده ها در اینجا و آنجا در حال شکفتن است. وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشای وسیع جنایات رژیم در میان مردم، اعتراض وسیع توده ها را علیه این جنایات برانگیزند و با من بزنند، توده ها را دعوت به اعتراض نموده و اعتراضات آنها را - سازماندهی کنند، به آنها توده شهید کمک و یاری رسانند، صدای اعتراض مزدوران در سراسر جهان منمکن کرده و حمایت نیروهای انقلابی و مترقی و مجامع بین المللی را جلب نمایند و در جهت انقراض رژیم بکوشند و از پیوستن اعتراضات پراکنده توده ها، اعتراض عمومی علیه جنایات رژیم را سازمان دهند.

### پیام کانون مستقل

بقیه از صفحه ۲۰

قراردارند، برنامهای استخدام ۱۲ هزار معلم مورثیستی ۲۰ هزار معلم جدید و ۲۰ هزار دانشجو در آموزش و پرورش به خوبی نشان میدهد که سرمداران رژیم در مددند تا جز افراد دودار و دسته وابسته به خودشان را در مدارس باقی نگذارند. معلمان مبارز! عدم ثبت نام دانش آموزان آگاه در مدارس - دستگیری دانش آموزانی که سال گذشته در مدارس فعالیت سیاسی داشته اند خارج وسیع معلمان دستگیری معلمان مبارز - جلوگیری از فعالیت سیاسی در مدارس - تقویت انجمن های اسلامی بهمنابه کانونهای توطئه و جاسوسی بر علیه معلمان و دانش آموزان - استخدام بی رویه معلمان فاقد صلاحیت - کلاسهای اجباری ایدئولوژی - گوشه ای از توطئه وسیعی است که رژیم در آموزش و پرورش دنبال میکند. همان سیاستی است که رژیم جمهوری اسلامی در سطح جامعه اعمال می نماید. بکوشیم تا با مبارزات خود موج جدید سرکوب را درهم شکنیم.

تنها اتحاد شکل و مبارزه ما می تواند رژیم را وادار به عقب نشینی نماید. تجربه نشان داده است که بدون تشکیل مبارزه افراد به تنهایی مدا من زدن به پراکنده کاری و خرده کاری می باشد. شکل خود در کانونهای دمکراتیک - مبارزه ضد امپریالیستی را تداوم بخشیم.

کانون مستقل معلمان تهران ۶۰/۶/۲۰

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



# مانورهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال و نیم گذشته در عرصه سیاست داخلی و خارجی خود دچار شکستهای فاحش و بی دردی شده است و بطور کلی در عرصه سیاست خارجی و مناسبات بین المللی منفرد و ایزوله شده است. -

سیاست نه شرقی و نه غربی رژیم که مضمون حقیقی آن بان اسلامیسما ارتجاعی و گسترش مناسبات با ارتجاعی ترین دولتها و جنبشها میباشد اینک نتایج خود را تماما آشکار ساخته است. این ورشکستگی سیاست های رژیم در شرایط کنونی چنان مرحله - ای از بی اعتباری و انفراد رسیده است که رژیم را اوداشته بمنظور خروج از انفراد بلین المللی در سیاست خارجی دست بیک سری مانورهای دیپلماتیک بزند. -

پیشنها در تشکیل جبهه اسلامی علیه کفر و الحاد جهان که در حقیقت تکرار ابلهانانه و ادا نه همان سیاست بان اسلامیسما ارتجاعی منتها در پوشش دگرگشت، مسافرت اخیر رفسنجانی به مالزی و جمهوری دمکراتیک خلق کره شرکت وزیر امور خارجه در کنفرانس سران جبهه پایداری بمنوان ناظرو - شرکت نما بندگان ایران در کنفرانس بین المللی لندن، نمونه یک چنین مانورهای دیپلماتیک محسوب میشوند که رژیم جهت رهایی از انزوای بین المللی در پیش گرفته است.

واقعیت اینست که در آغاز بقصد و رسیدن رژیم کنونی بسیاری از دولتها و جنبشهای انقلابی و مترقی جهان هنوز درک درستی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و عملکردهای ارتجاعی آن در عرصه سیاست های داخلی و خارجی نداشته اند. بویژه با همایونی با مصلحت مآزده فدا مبریا لیستی رژیم و دفاع آن در حرف از جنبشهای انقلابی برخی نیروهای مترقی در سطح جهان تصور میکردند که برآستی رژیم جمهوری اسلامی - رژیم انقلابی و فدا مبریا لیست است. - اما گذشت مدتی کوتاه کافی بود تا عملکردهای رژیم در سطح بین المللی ماهیت ارتجاعی سیاستهای خارجی این رژیم را بر همگان آشکار سازد.

رژیم جمهوری اسلامی که در آغاز زوجه داده بود از جنبشهای انقلابی و مترقی سراسر جهان حمایت و پشتیبانی کند، در عمل نزدیک ترین متحد مرتجع ترین و ضد انقلابی ترین جنبشها نظیر مرتجعین افغانستان، جنبش ارتجاعی امل، حزب - الدمه عراق، اخوان المسلمین و امثالهم ازگارند. دشمنی خود را با کمونیستها این بی گدیزترین نیروهای انقلابی در سطح جهان و نیز دمکراتهای انقلابی پیش از پیش آشکار نمود و در زیر پوشش مبارزه با "دو بر قدرت و بهیچرود سیاست با مصلحت نه شرقی و نه غربی نزدیکترین مناسبات - اقتصادی و سیاسی را با دول مبریا لیستی اروپا و ژاپن برقرار نمود. این سیاستهای ارتجاعی به همراه یک سری تشریفهای

تشییی در سطح جهان نمیتوانست در مدتی کوتاه رژیم را در سطح جهانی افشا و منفرد نماید. در منطقه خاور میانه نیز پس از گذشت مدتی کوتاه سیاستهای ارتجاعی رژیم بر همه جنبشها و دولتهای انقلابی و مترقی آشکار شد. چنانکه برخی از دولتها و جنبشها نظیر جنبش آزادیبخش فلسطین، دولت لیبی، که در آغاز مناسبات با لیبی حسنه ای با رژیم جمهوری اسلامی داشتند بتدریج بی مناسبات ارتجاعی سیاست خارجی رژیم بودند و در ماههای اخیر با افشاء غیر مربوط به خرید تسلیحات از دولت صهیونیستی اسرائیل مناسبات آنها بنها بیت سردی گرا شد و کار به جایی رسید که روزنامه جمهوری اسلامی چندی پیش نوشت تنها دولت انقلابی در منطقه - دولت سوریه است! و نیز تیرگی مناسبات رژیم با جنبش آزادیبخش فلسطین بحر حله ای رسید که در مراسم روز قدس بر خلاف سایرهای قبل هیچنما بنده ای از طرف این سازمان در مراسم شرکت نکرد. سازمان آزادیبخش فلسطین همچنین سخنان نما بنده خود در - ایران را در مورد عراق و حوادث ایران در اثنا رژیم، تکذیب کرد و با لافچه پس از - ملاقاتها تهاشی الحسین در پاریس با بنی صدر و جویروزنا به صبح زادگان طی حمله شدیدی به سازمان آزادیبخش فلسطین هاشی الحسین را خاشن خواند و نوشت کتبی آنها پایداری خاشن را از سازمان اخراج کند!

این مجموعه شرایط نشان میدهد، به همان نسبت که سیاستهای ارتجاعی رژیم در داخل عربی نتواند افشا شده است، در سیاست خارجی نیز که چیزی جز ادا مبریا لیست مناسبات سیاست در خارج نیست. رژیم دچار ورشکستگی و انفراد شده است. از این رومانورهای دیپلماتیک اخیر رژیم، تلاشهای در جهت - رهایی از این انفراد محسوب میشود. سوی این مسئله رژیم اهداف مشخصی اقتصادی و سیاسی را نیز در این سلسله مانورهای خود دنبال میکند. در شرایطی که رژیم با بحران اقتصادی و غیر و بروت، یکی از اهداف دیپلماتیک کنونی رژیم کسب کمکهای - اقتصادی و گسترش مناسبات اقتصادی بین المللی است تا شاید بدین طریق بتواند، از بحران و غیر کنونی نجات یابد. گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی نیز از اهداف رژیم است. هدف است و از سوی دیگر توجهی برای گسترش مناسبات گسترده با دولتهای ارتجاعی محسوب میگردد. بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام ادا و پیداهای تبلیغاتی خود تا کنون بیشترین و بهترین مناسبات اقتصادی و سیاسی را با دول مبریا لیستی و دولتهای دست نشانده و وابسته ای نظیر ترکیه و امثالهم داشته است. اما اکنون می کوشد با برقراری مناسبات با دولتهای - دیگر بویژه دولتهای مترقی و انقلابی چنین وانمود کند که از یک سیاست مستقل که گویا سیاست نه شرقی و نه غربی است پیروی می کند. اما حتی برقراری و گسترش مناسبات

اقتصادی با دولتهای مترقی نیز ذره ای در ماهیت ارتجاعی و فدا انقلابی سیاست خارجی رژیم تغییر بی پدید نخواهد آورد. همانگونه که گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی رژیم با کشورهای سوسیالیستی بهیچوجه دلیلی بر مضمون مترقی سیاستهای خارجی رژیم نبود و هم اکنون نیز مناسبات نزدیک و حسنه رژیم عراق با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ذره ای از ماهیت ارتجاعی سیاستهای داخلی و خارجی آن نمی گاهد، برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی و بحکمیت و غیر اقتصاد و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای سوسیالیستی بهیچوجه در ماهیت ارتجاعی سیاست خارجی آن تغییری پدید نخواهد آورد. زیرا مناسبات خارجی این دولت در اساس تا دوام مناسبات داخلی هیچ دولتی نمیتواند جدا و منفک از سیاستهای داخلی آن دولت و مجموعه عملکردهای رژیم سیاسی حاکم و طبقا تحاکم باشد. دشمنی با طبقه کارگر، توده های زحمتکش و سازمانهای انقلابی و مترقی و سلب ابتهاد شی ترین حقوق توده ها نمسی توان در سیاست خارجی بصورت دشمنی با طبقه کارگر جهانی و جنبشهای انقلابی و مترقی متجلی نگردد. این دشمنی با طبقا شواقتار انقلابی و سرکوب آنها در داخل، الزاماً در سیاست خارجی نیز منعکس میگردد. این همان ادا مبریا لیست داخلی در خارج است که خود را در حمایت رژیم از جنبش ارتجاعی امل لیبان در مقابل کمونیستها و دولت لیبی نشان میدهد. این همان دشمنی با نیروهای انقلابی و مترقی و دفاع از مناسبات ارتجاعی در داخل است که در سیاست خارجی در حمایت و پشتیبانی از مرتجعین و مزدوران آمریکایی افغانستان نمود پیدا میکند.

این همان ادا مبریا لیست داخلی است که در میان همسایگان ایران بهترین مناسبات با رژیم دست نشانده ترکیه برقرار میگردد. این همان ادا مبریا لیست داخلی است که خود را در خرید سلاح از اسرائیل، ابقا قرار - دادهای اسارت با ربا مبریا لیستها و زد و بندهای دیپلماتی سری با مرتجع ترین نیروهای جهان خود را نشان میدهد. این همان ادا مبریا لیست داخلی است که نمسی توان در منطقه جنبش آزادیبخش فلسطین و رژیم ایران را در کنار یکدیگر قرار دهد. زیرا قیام مثل تفا دولت لیبی و جنبش آزادیبخش فلسطین با اسرائیل از موضعی مترقی و انقلابیست درحالیکه تفا رژیم جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل از موضعی ارتجاعی است. از موضع سیاست ارتجاعی بان اسلامیسما است. این است دلیل اینکه چرا مانورهای دیپلماتیک رژیم نه تنها قادر نیست حیثیت تازه ای بان بخشد بلکه پیش از پیش ماهیت سیاستهای آنرا افشاء خواهد کرد و آنرا در سطح جهان بیشتر ایزوله و منفرد خواهد نمود.

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# نیروهای مسلح وانقلاب

بقیه از صفحه ۵

از طریق این عناوین و نیز فتوای خمینی و اعمال فشار در شرایط فعلی که در کربهای سیاسی روز بروز جا در تشرده و بعرمه خیا بانها کشیده شده، شهرهای را بمیدان بکشاند. سخنرانیهای خمینی و بعضی دیگر از سران رژیم نظیرها شمی رفسنجانی و اطلاعاتیه های یکی دو ماه اخیر که مبنی بر موضع تدافعی شهرهای بود. خوبی بیانگر این امر است که شهرهای نی به با دگی تن با یسین خواست نخواهد داد. برای اینکه ببینیم حزب در این امر تا چه حد موفق خواهد بود، وضعیت فعلی شهرهای از نظر سلسله مراتب و گزارشات سطوح مختلف آنرا مورد بررسی قرار میدهم:

فرماندهان اصلی به دو بخش تقسیم میشوند، اول عناصرا موردا عنما د حزب نظیر سرهنگ دیباچی جانشین رئیس شهرهای، حجازی رئیس اطلاعات (توضیح اینکه این مقاله قبل از انتصاب حجازی به ریاست شهرهای نی تهیه شده بود) ریسما نجیان معاون غذا اطلاعات و رئیس با زسی که عامل مستقیم اجرای دستورات حزبند. دیگر لیبیرالهایی که حاضرند بر ای حفظ موقیعت، دستورات حزب را بپذیرند، رئیس شهرهای نی، معاونین وی و رئیس پلیس تهران و غالب روسای - شهرهای نی استانها از این قما شند، اینها از نظر تعداد دبر عنما صرحی بی برتری دارند و نیروی درجه دوم موردا عنما در رژیم بشمار میآیند. دستورات حزب را با اندکی تعدیل ابلاغ و اجرا میکنند. فرماندهان رده پائین ترا اگرچه همانند دسته با لای برای حفظ موقیعت تن به اجرای دستورات میدهند، اما از آن جا که از جانب دیگر مواجه با روحیه شدید ضد حزبی پرسنل هستند عمدتا "اشکالات را به گردن فرماندهان یا لایبر انداخته و راه گریزی برای خود با زیگذا رند با یسین جهت جا بجایی در این قسمت زیاده بوده و یکی از مشکلات حزب در حال حاضر تمکین این رده میا شد. روسای زندانها و روسای شهرهای نی استانها از این دسته اند. با اعمال فشار بخشی از اینها به دستورات حزب گردن - گذارده و دسته ای واداره کناره گیری شونده. هر چند مشکل حزب که تسلط کامل بر شهرهای نی است همچنان لاینحل باقی میماند. اما نیرویی که بیش از همه مدنظر حزب است فرماندهان دون پایه نظیر افسران جزئی و تعدادی از افسران ارتداد است. اینها از جنبه مسئولیتهای اجرایی که دارند بسیار مورد توجه حزب هستند، از طرفی از طرف رده های بالاتر فشار رند از طرفی با موج نا رضایتی پرسنل مواجهند. در این جهت سیاستمان غالباً "عدم شرکت در مسائل سیاسی و در کربیها ست و چندان نگران - بقا مشان نیستند، بیشتر تمایل به خدمت در ستاد دارند تا صف اول. جا بجایی در

این رده بسیار است شمار آنها "نه سیخ بسوزند" نه کباب میباید شد. نیروی دیگر پرسنل (افسران جزء، درجه - داران، ما موران، با سیاران، پلیسهای وظیفه) شهرهای نی است. که عمدتا "از شرکت در در کربیهای سیاسی اجتناب میکنند. مهمترین عواملی که مانع شرکت آنها میشود تجربه قیام است زیرا در جریان قیام آنها بعینه تا هدفروپا نی سیستم شهرهای نی به دست توانای توده ها بوده اند، آنها براضی حاضر نیستند این تجربه را تکرار کنند. به طوریکه با رهی شنیده شده که میگویند "یکبار شرکت کردیم نتایج اش را دیدیم، اجسقی نیستیم که دوباره تکرار کنیم" ویا "گلوله ما نیا ید به مردم بخورد" ترس از خشم توده ها مهمترین عاملی است که مانع از فعال بودن شهرهای نی در سر کوبیها ست. علاوه بر این عامل تضادی که با کمیته ها و سپاه وجود دارد نیز مانع از فعالیت آنها از این ارگانها ست. بحران اقتصادی و سیاسی جامعه که مانع تشبیت موقیعت رژیم میشود و هم چنین وجود نا رضایتی وسیع در توده ها و فعالیت نسبی نیروهای انقلابی از جمله عوامل دیگری است که در این نوع برخورد - شهرهای نی دخیل است بعلاوه از آنجا که پس از قیام تشکلهای توده ای بسیاری از پرسنل انقلابی با کاراگا هگرا نه عواقب رودر - رویی مردم را تبلیغ و ترویج کرده بودند. مجموعه این عوامل سبب شده که پرسنل شهرهای نی بیشتر نظاره گر جریانات باشند و هم از نظر که در کل جامعه نیز با مر مشهود است آنها بدنبال الترنات یوقدرت می گردند. این عدم فعالیت بویژه در سطوح پائین به چشم میخورد. بروز این گرایشات در صورت فردی بودن شدیداً سرکوب میشود. در حال حاضر حرکت جمعی نیز به چشم نمیبخورد. مبارزه آنها جنبه انفعالی دارد. زیرا - فشارها و فشار توده ها و فشارها کمیت هنوز به درجه ای نرسیده که تصمیم گیری آنها را موجب شود.

نیروهای انقلابی نیز علیرغم حضور در این ارگانها بدلیل ضعف سازماندهی از آنچنان قدرتی برخوردار نیستند که بتوانند نقش تعیین کننده ای ایفا کنند. بهمین جهت علیرغم فشارهای حزب به پرسنل شهرهای نی برای شرکت در در کربیهای سیاسی و موجه فظت از شخصیتها، آنها نقش فعالی را بازی نمیکنند. آنچه چشم انداز آینده نوید میدهد اینست که همرا با اوج گیری مبارزات توده ها و اعتلا جنبش توده - یی بخش وسیعی از پرسنل به توده های مردم خواهد پیوست. زیرا دیگر نخواهند توانست مانعند شرایط کنونی بندبازی کنند. دوره بیشتر وجود رند از سرکوب توده ها و بیابوستن به آنها. اما سرکوبها یکبار در جریان قیام تجربه کرده اند پس بهترین راه بیوستن با انقلاب است. مضافاً اینکه حزب جمهوری نیز علیرغم تلاشهای مذبحانه اش بدلیل نداشتن پایگاه توده ای در شهرهای نی قادر به پیشبرد اهدافش نخواهد بود. زیرا از سلسله مراتبی که ذکر شد بجز صهره های خود حزب و فرماندهان مزدور ریفیه غالباً مخالف پذیرش اتوریته حزب هستند.

## زندگی و مرگ چگوارا...

بقیه از صفحه ۲۰

منا به تنها راه حل آن خلقهای که برای رها نی خویش می رزمند عقیده دارم و در - عقاید بدم بپیگیرم. بسیار می جا جویم خواهند خوانند. ما جا جویم، منتها زگوننه دیگری. از آنگونه که جان خویش را به مخاطره بیا نندازند تا سخنانی را که بان عقیده دار دیگر می بنشانند.

ممکن است گه این با بیان کارمن با شد. من بدنبال این با بیان نمی روم. ولی این با بیان در محدوده منطقی احتمالات میگنجد. اگر چنین باشد آخرین ودا عمرا - میکنم. من شما را بسیار دوست داشتم، اما تنها نمیدانستم این علاقه را چگونه بیان دارم. در رفقا ترم خنگ هستم فکر میکنم که شما را نمی فهمیدید. فهمیدن من کار آسان نبود. با اینهمه خواهش میکنم حرف مرا بپذیرید. اکنون اراده ای که با شمس صیقلش داده ام به مددپای لوزان و شش - های خسته ام خواهد داشت. از عهد این برخواهم آمد.

گاه بگاها بین سربا ز کوچک سرنوشت سده بیستم اندیشه ای کنید.

جلیا، روبرو تو، خوان ما رتین، هرتو - تین، بهتا تریس و سا پرا هل خارتاده را می بوسم. فرزند سرسخت و سخنی تان شما را از دور می بود. ارستو، وجه گوارا تلفیقش را از مرگ دریکی از آخرین نامه هایش به فیدل کا ستروچنین بیان میکند:

"یکروز زیکا یک ما پرسیده شده که در صورت کشته شدن هریک از ما کسان او را - چگونه باید مطلع کرد؟ در آن لحظه ما کن واقعی کشته شدن همه ما را زیر تا شیر خود گرفت. ما بعدها دانستیم که این واقعتی است که در انقلاب - اگر انقلاب واقعی باشد انسان با جان میسپارد و با پیروزی میگردد. بسیاری از رفقا در راه پیروزی جان سپردند. و او در راه پیروزی زحمتگشان جهان این چنین جان سپرد.

با نتی پردویکی از همزمان چه گوارا و یکی از رهبران با قیما تده جنبش بولیوی در ژوئیه ۱۹۶۸ یعنی هشت ماه پس از شهادت چه گوارا در باره مرگ او نوشت:

"درفش ما چروک خورده است ولی هرگز بر زمین نخواهد افتاد.

ای - ال - ان خود را وارث سمرشق و آموش های چه، این بولیوار نوین آمریکای - لاتین میداند.

آنها نی که از روی زبونی او را کشته - اند هرگز قادر به از میان بردن اندیشه ها و سمرشق او نخواهند بود. بگذار رکسه امپریالیستها و جا کران نشان از آوازه های پیروز مندا نه خود دم بندند زیرا که جنگ به پایان نرسیده است بلکه تازه آغاز گردیده است. ما بگویم با زخوا هم گشت....

در لحظات سرنوشت ساز زکونی میهن ما، مبارزان جوان و انقلابیون سرسخت میهن ما تجسم بولادین چه گواراها، زولیوس فوچیکها، زویاها، جمیله بویاشاها، بویان - ها، روزبه ها، مهرنوش ها، نادل هسا، مهدی ها، مسوده ها، بیژن ها، و... هستند. که درفش مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را تا پیروزی انقلاب بدوش خواهند کشید.

## سربوگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

# شورای نگهبان حافظ و نگهبان منافع مالکان و سرمایه داران

مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان -  
اعتراض نمیکند که چرا با لایحه "اراضی شهری"  
ریا "اراضی مزروعی خارج شهرها" مخالفت  
است بلکه ملتسانا ز شورای نگهبان -  
ستدعا میکند که خودشان کار "تنظیم" لایحه  
را هم که اکنون بعهده مجلس شورای است بعهده  
دارشوند که از اختلاف وقت نما بیندگان -  
جلوگیری شود!

مخالفت شورای نگهبان با لایحه نیم  
بند "اراضی شهری" و "اراضی مزروعی خارج  
شهرها" و مخالفت خمینی و سایر آیات -  
عظام "با بندج" و بندد لایحه زمین همه گواه  
بر این امر است که دستگا و ولایت فقیه با  
هرگونه تفسیر و تویذی که بنا به شرایط  
و موقعیت رژیم در مالکیت و مناسبات تحاکم  
بر آن ضروری باشد، مخالفت است. این امر  
ثابت میکند که آنچه هم که تا کنون در مورد  
مسائل در اموال منقول و غیر منقول سرمایه  
داران و زمینداران بعمل آمده در مورد  
مخالفین سیاسی رژیم بوده است که اغلب  
آنها هم بعینت ترس از جنبش خلق قرار را  
برقرار ترجیح داده بودند. و گرنه بیوضوح  
دیده میشود که ما حبان واقعی قدرت کنونی  
یعنی دستگا هرم ولایت فقیه یعنی خمینی  
شورای نگهبان، آیات عظام، ائمه جمعه ها  
کارگردانان حوزه های علمیه و نمایندگان  
آما در ارگانهای مختلف، نگهبانان  
واقعی مالکان و سرمایه داران هستند که  
دفاع از "حق مالکیت" را بنا به قاعده -  
السناس ملطون علی اموالهم و انفسهم -  
وظیفه شرعی خود قرار داده اند!

مخالفت است  
سید محسن تویور میرغفاری نماینده -  
تبریز در جلسه دوم مهرماه ۶۰ در مجلس ضمن  
نطق قبیل از دستور چنین گفت: "مسئله  
دیگر تذکری است به شورای نگهبان -  
موقعیت قانونی شورای نگهبان مشخص  
است و اظهار نظرهای شورای نگهبان طبق  
فرمان امام و قانون اساسی مطاع است و  
لکن من میگویم شورای نگهبان بیاسد  
واقعیتهای جامعه ما را توجه داشته باشد.  
یکی از مسائل واقعی و واقعیتهای عینی  
جامعه ما مزرعه زمین است. اراضی شهری  
و اراضی مزروعی خارج شهر شما میگوید  
راه چلی که مجلس داده است و خواهد داد و  
با دیگران خواهد داد در احوال اسلامی نیست  
شما بیایدید راه حل اسلامی اثر به مجلس  
ارائه دهید تا ما آنرا تصویب کنیم. منتظر  
آن نباشید که مجلس کاری بکند و شما آنرا  
رد کنید."

با این ترتیب می بینیم که با لایحه  
یک فرد جرئت کرده و با هزار ترس و لرز  
این مسئله را آنهم در لفظ فاش کند که  
شورای نگهبان با تصویب لایحه زمین -  
با ستند مقررات شرعی مخالفت است.  
ضمنا "مسئله دیگری که از سخنان میرغفاری  
فهمیده میشود اینست که شورای نگهبان  
نه تنها با قانون اراضی شهری مخالفت  
است بلکه با لایحه "ملاحات ارضی اسلامی"  
و یا "زمینهای مزروعی خارج شهرها" که  
روی آن تسلیفات زیادی کرده اند و اخیرا  
به مجلس داده شده است، نیز مخالفت است.  
و آقای میرغفاری به نمایندگی از طرف

چندی پیش لایحه "اراضی شهری" از  
تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و برای  
اظهار نظر و تصویب نهائی به شورای نگهبان  
داده شد. ما در مقابل لایحه زمین بر خوردیم  
این لایحه نوشتیم که ضرورتها ناشی از -  
بحران اقتصادی موجب شد که دولت موقت  
عملا خرید و فروش زمینهای سطح شهر را -  
متوقف کند و پس از دو سال و نیم که این امر  
اجرا میشد دولت تصمیم گرفت آنچه را که عملا اجرا  
میکرد بصورت قانونی در آورده و بخشی از  
این زمینها را به تملک خود در آورد.  
اما همانطوریکه میداد نیم در واقع امر  
قوانین در مجلس تصویب نمیشود بلکه فقط  
"تنظیم" میشود! ارگانی که در واقع قوانین  
را به تصویب نهائی میرساند شورای نگهبان  
است که دارای اختیارات حق و تودر مورد  
تمام قوانین مصوب در مجلس است. این  
شورای شیوخ که اعضای آن ۱۲ نفرند جای -  
مجلس سنای شاهنشاهی منتهی با اختیارات  
بمرا تیب وسیع تر از آن را گرفته، حق دارد  
هر قانونی را که مجلس به تصویب رسانده -  
تحت عنوان این که مخالف قانون اساسی  
و یا مخالف مقررات شرع است و توکنند. و  
اکنون که هفته ها از تصویب لایحه "اراضی  
شهری" میگذرد شورای نگهبان از تائید آن  
خودداری کرده است.  
شورای نگهبان رسما "درباره این  
قانون اظهار نظری نگرده، مطبوعات دولتی  
و تحت سانسور شدید اخبار و قیام رادرجنی  
کنند ولی آنچه شنیده شده و اخیرا "نمایند  
تبریز بطور سر بسته اظهار کرده، "کشف می  
گردد که شورای نگهبان با این قانون -

## زنده باد انقلاب پرو (۱)

بقیه از صفحه ۱۰  
صنایع جاری می شود. کثیری از کشت کنندگان  
شکرو بنه نیز، پیشینه خویش را بوسیده و  
کناری نهادند و به سراغ صنایع فلزی،  
رنگ سازی، شیشه سازی، گفش سازی و نساجی  
رفتند. سرمایه خارجی که بیشتر بگونه ای  
چشم گیری در بخش محصولات کشاورزی - معدنی  
ما در آنی متمرکز شده بود، کم کمک محافظه  
- کارانه گام در راستای سرمایه گذاری  
در بخش صنایع می گذاشت. و آ. آر. گریسی  
در کاغذ سازی سرمایه گذاری کرد و کمپانی  
گودیر، نخستین کارخانه لاستیک سازی پرو  
را بنیاد نهاد. در سوشی دیگر سهم کشاورزی  
از بیا زده ملی در طول دهه پنجاه هم چنان رو  
به نقصان داشت و نهائیا "در سال ۱۹۶۵،  
تاما" از بین رفت.  
اما برعکس سیلانی که پول درست و  
سوی صنعت داشته سرمایه داران صنعتی  
عملا قدرتی تعیین کننده در حیات سیاسی  
کشور، به شمار نمی آمدند. سیاست های دولت  
و نیز ذخیره های مالی، به گونه ای گسترده  
توسط الیکارسی سنتی، بنه، شکرو معدن  
و متلفین بیگانه آنها کنترل میشد.

نسبت ۲ و ۳ به بانک ملی بپردازد. پس  
از بیا بان جنگ، شوروی ۲۰ میلیون دلار به  
ایران بدهکار شد و جمع این طلب از شوروی  
معادل ۶۵۰/۰۰۱/۸۶۴/۵ ریال بود که  
در ۱۳۴۴، در ۳۱ خردادین به دولت زاهدی -  
پرداخت شد. اما آنها سر بیا زدند و دولت  
مجا رستان نیز اعلام داشت که مسئله خرید  
نفت "با مرا رد دولت ایران" در موقت -  
نامه ها گنجا نیده شده، سندی نیستی ندارد، و  
کشورهای سوسیالیستی از خرید نفت ایران  
منصرف شده اند.  
راهی جز این نماینده نبود که در آن شرایط  
سخت که همه نیروهای ارتجاعی متحد و در  
کمین بودند، دولت در تحکیم موقعیت خود  
روی به مردم آورم و برای رهائی از تنگنای  
اقتصادی و سیاسی از نیروی توده ها و اتحاد  
عمل گروههای سیاسی بهره جوید. مردم  
این آمادگی را با رها اعلام داشته بودند،  
چهارده خرداد، چه در ۹ اسفند و به رغم سکوت  
و بی اختیار رهبری احزاب، اما اکنون  
مخالفان و دشمنان جنبش، همبسته تر از  
همیشه و مردم پراکنده تر از پیش به میدان  
آمدند. تظاهرات سالگردشدهای ۳۰ تیر  
جلوه ای از این سردرگمی و پراکندگی صوف  
بود. به اختصار اشاره می کنیم.

## تحقق کودتا:

بقیه از صفحه ۱۲ = از ۹ اسفند تا...  
شد، اعلام میداشت: "با بیدار از اخلاص و عطیات  
خلاف آئین نامه "دست کشید، "استیضاح"  
کافی است و "احتیاجی به فرارندوم نیست"  
(۱۳۳۲/۴/۲۴) اما مصدق ناگزیر بود برای  
کاستن از بحران ها به "لایحه اختیارات"  
عمل کند و با اعلام فرارندوم آزادی عمل  
بیشتری بدست آورد.  
اکنون دولت نام میدان از آمریکا دریافت  
وام برای حل بحران شدید مالی روی بسه  
کشورهای سوسیالیستی آورد. قول دادند  
که نفت ایران را بخرند. ۱۰ خرداد ۱۳۳۲ -  
موافقت با مه بازرگانی ایران و شوروی  
به امضاء رسید. دولت ایران مصرانه  
خواستار استرداد بیا زده تن طلای ایران -  
(۴ میلیون دلار) از شوروی گردید -  
(در ۱۳۲۱ قرار دادی بین ایران و شوروی -  
برای پرداخت نیاز مندیهای ارتش سرخ  
در ایران و هزینه حمل و نقل نظامی بسه  
شوروی از طریق راه آهن امضاء شد. می  
بایست طبق این قرارداد، شوروی ۴۰ %  
ارز تضمین شده را به طلا و ۶۰ % شمش طلا بسه

دا مه داران

## رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

### حمله وحشیانه

### حزب اللی ها به خانواده نهاد

خانواده های انقلابیون شهید عموما در بعد از ظهرهای هشتمه در گورستان محمود در محدوده خاوران، جاده خراسان مسگر آباد که توسط رژیم به دفن شهدای انقلابی اختصاص داده شده است، جمع میشوند. این تجمع با حمایت گسترده زحمتکشان اطراف مواجد گشته است و بهمین علت نیز بارها مورد حمله و وحشیانه های اوباش و جماعتی از رژیم قرار گرفته است. رژیم میکوشد بدین طریق با ایجاد جو رعب و وحشت از گسترش حرکات اعتراضی خانواده شهدای که بدست جلادان رژیم کشته شده اند و همچنین از حمایت خود - های زحمتکش از آنان جلوگیری کند اما در عمل خشم و نفرت توده ها را افزون میکند و مرگ خود را سرعت میدهد.

روز ۱۲ شهریور طبق معمول مادران - شهدای بخون خفته لایق گورگورستان جمع شده بودند متوجه میشوند که قبرهای خالی که قبلا کشته شده بود تماما پر شده ولی هیچ کدا ما سمنها رد، در عین حال روی سنگ اکثر شهدای قبلی خون دیده میشود و برانگازد - جدیدی نیز در قبرستان افتاده بود که زیرا نداشتن پرا ز خون بود. خبری دهان به دهان میگردد که بعد از مرگ رجائی و باهنر تعداد بسیاری از زندانیان انقلابی را - مخفیا نه و بدون محاکمه اعدا کرده اند و اجسادشان را بدون مشخصات در گودالها ریخته اند. در این حال مردم اطراف جمع میشوند و سر با خشم و نفرت این عمل جنایت کارانه رژیم را محکوم میکنند. در همین هنگام چند پاسدار آمده به مردم میگویند که "زودتر بروید و گرنه برادران حزب اللهی می آیند اما این سخنان با خشم جمعیت و هوکشدن آنان مواجه میشود.

ساعت ۴/۵ حدود صد فالانزبا دادن - "شاعر مرگ بر منافق" به گورستان می ریزند و بدون کوچکترین سخی حمله را -

### اخاری از.....

بقیه از صفحه ۱۱ شروع میکنند. فالانزها به چاق، چاقو، سا طورودش مسلج بودند و از طرف پاسداران هم با تیراندازی حمایت میدهند. جمعیت بسوی بیابانهای طرف فرار میکنند و عده بسیاری زخمی میشوند. یک حزب اللهی با قلمبه شکم زن حامله ای میزند و او را غرق در خون میکند. مزدور دیگری با سا طورپای مادر را غدیبه ای را قطع میکند و دیگر مزدوران بچه ۸ ساله ای را که پیراهن سیاهش را بر تنش پاره کرده بودند به زیر لگد و مشت می گیرند. این مزدوران در آن روز برای ستی با اعمال شقاوت با خودروی قاضیستهای هیئتتری و مزدوران صهیونیستی را سفید کردند.

در چهار راه پالیزی به جای یک دکمه بلال فروشی که توسط مزدوران رژیم سا بولدوز و ویران میشود یک دکمه آب میوه - گیری متعلق به یک جاسوس حزب اللهی ایجا میشود که پس از چند مورد جاسوسی و لو دادن و خوش خدمتی های دیگر توسط افراد شناسائی میشود در هفته گذشته ترور میشود پس از ترور وقتی افراد سپاه میرستاد از مردم محل نتانی وردیگی ای افراد خواسته میشود که هر یک عمدا نشانی - های صدوقی می میدهند و موجب کمراه شدن آنها میشوند. در همین حین یک ماشین نیز ایجا در راه بندهان کرده و بدین ترتیب افراد دموق به فرار شده و افراد کمیته و سپاه خشمگین و بدون کوچکترین اقدام مجبور به مراجعت میشوند. فسردهی که در کمیته مذکور برای انجام کاری رفته و تنها دقای همان لحظه ناجا بوده نقل میکند که چگونه گروه خشمگین و ناموفق، بمردم از اینکه با آنها همکاری نمیکنند فحش میداده اند.

### باردیگریک رزمنده زیر شکنجه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسید

مجاهد شهید محمد مهدی باری دنیبر که در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۶۰ در رود سردستگیر شده بود در شکنجه های وحشیانه مزدوران - رژیم و در اثر شدت جراحات وارده در تاریخ اول شهریورماه به شهادت رسید. او با شان رژیم پس از اینکه او را در زیر شکنجه به شهادت رساندند در روی برانگازدی که جنازه شهید حمل میشد چهار رگلوله به بدن بیجان او شلیک کردند تا شاید بظاهرا - جنا یا تشان را پرده پوشی نما یند (جسد مجاهد شهید سرا سر کیود شده بود و جای سالمی بر بدنش باقی نگذاشته بودند) و پس از جنایات در حالی اتفاق می افتد که خمینی این جلاد خلق فریاد بر میآورد که در زندانها شکنجه نیست!

با شنیدن خون نمایی رزمندگان خلق نهال انقلاب ایران را شکوفا تر سازد.

### آستارا

یک زوج جوان که با ماشین خودشان به شمال میروند در آستارا اتومبیل شان توسط گشتی ها متوقف میشود و الیست - چیزی نداشته اند که مورد سوءظن قرار - گیرند ولی خانم سرنشین اتومبیل که صنعا "حامله هم بوده چون بی حجاب بوده است فی الفور در نگاه عدل اسلامی آقایان محکوم به تلف و لقم میشود و حدود ۱۰ نفر از آنها بطرف خانم میبورتسف میاندا زند و لعنت میفرستند.

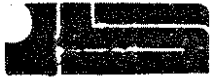
### با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

الف	ح	۱۰۱۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	م	۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۰۰۰۰
۵۱۱۰	۸۵۰	۵۰۰۵	۲۲۲۲	۲۲۲۲	ع	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۵۳۰۰	۵۰۰۴	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	ف	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۲۳۵۷	۵۰۰۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	ب	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۱۰۰	۱۷۷۷	۵۲۲۲	۲۱۲۰	۲۱۲۰	خ	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۱۲۰
۱۰۱۶	۱۰۱۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	ز	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۲۰۷۷	۲۰۷۷	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	س	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰
۵۱۲۵	۵۰۲۵	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	ب	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۵۱۲۵	۵۰۶۶۳	۷۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	ز	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۵۱۰۰	۵۱۰۰	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱	س	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱
۲۱۰۰	۹۲۸	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱	س	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۱۱
۲۸۸۸	۲۱۶۵	۲۹۹۹	۲۹۹۹	۲۹۹۹	س	۲۹۹۹	۲۹۹۹	۲۹۹۹
۲۸۸۸	۲۲۰۰	۲۷۷۷	۲۷۷۷	۲۷۷۷	ن	۲۷۷۷	۲۷۷۷	۲۷۷۷
۱۰۹۹	۶۰۲	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۱۲۰	ک	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۱۲۰
۴۱۰	۵۶۱۲	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۱۳۹۰	ش	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۱۳۹۰
۵۲۲۲	۴۱۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	ش	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۳۰۱۷	۳۰۱۷	۱۲۸۰	۱۲۸۰	۱۲۸۰	ک	۱۲۸۰	۱۲۸۰	۱۲۸۰

۵۰۰۰ ریال	س	۲۱۸۵	س	۲۱۸۵	س	۲۱۸۵	س	۲۱۸۵
کارگران هوا دار	ع	۲۴۱۱	ع	۲۴۱۱	ع	۲۴۱۱	ع	۲۴۱۱
جراغ برق ۱۰۰۰۰	ب	۱۵۵۰۰	ب	۱۵۵۰۰	ب	۱۵۵۰۰	ب	۱۵۵۰۰
رفقای خوزستان	۴۴	۵۰۰	۴۴	۵۰۰	۴۴	۵۰۰	۴۴	۵۰۰
۵۱۱۱	ع	۲۳۱۱	ع	۲۳۱۱	ع	۲۳۱۱	ع	۲۳۱۱
۳۱۱۲	ش	۲۳۱۲	ش	۲۳۱۲	ش	۲۳۱۲	ش	۲۳۱۲
۳۱۱۳	الف	۵۰۰۵	الف	۵۰۰۵	الف	۵۰۰۵	الف	۵۰۰۵
۳۱۱۴	ج	۶۱۱	ج	۶۱۱	ج	۶۱۱	ج	۶۱۱
۲۱۱۱	س	۸۴۲۷	س	۸۴۲۷	س	۸۴۲۷	س	۸۴۲۷
۳۰۱	الف	۵۰۰۱	الف	۵۰۰۱	الف	۵۰۰۱	الف	۵۰۰۱
۱۲۲۲	ب	۵۰۵۵	ب	۵۰۵۵	ب	۵۰۵۵	ب	۵۰۵۵
۲۱۰۰	میان آب	۵۰۵۶	میان آب	۵۰۵۶	میان آب	۵۰۵۶	میان آب	۵۰۵۶
۲۰۸۸	م	۳۵۵۷	م	۳۵۵۷	م	۳۵۵۷	م	۳۵۵۷
۱۵۷۷	ش	۳۰۵۸	ش	۳۰۵۸	ش	۳۰۵۸	ش	۳۰۵۸
۱۰۰۲	رفقای مسجد سلیمان		رفقای مسجد سلیمان		رفقای مسجد سلیمان		رفقای مسجد سلیمان	
۱۷۰۰۰	س	۱۰۳۲۲	س	۱۰۳۲۲	س	۱۰۳۲۲	س	۱۰۳۲۲
سلطان نیور ۳۰۵	د	۱۶۱۴۰	د	۱۶۱۴۰	د	۱۶۱۴۰	د	۱۶۱۴۰
اصلان ۱۱۰۰	ب	۱۰۰۳۹	ب	۱۰۰۳۹	ب	۱۰۰۳۹	ب	۱۰۰۳۹
۲۰۵	کله	۷۰۰۰	کله	۷۰۰۰	کله	۷۰۰۰	کله	۷۰۰۰
۳۱۱۱	کلی	۲۰۰	کلی	۲۰۰	کلی	۲۰۰	کلی	۲۰۰
۱۱۰۰	د	۱۰۵۰۵	د	۱۰۵۰۵	د	۱۰۵۰۵	د	۱۰۵۰۵
رفیق م (کوبن - غذائی)	دا	۱۵۰	دا	۱۵۰	دا	۱۵۰	دا	۱۵۰
رفقای بیسلام	ع	۱۰۷۱۴	ع	۱۰۷۱۴	ع	۱۰۷۱۴	ع	۱۰۷۱۴



سید عباس بنی هاشمی	۱۷۵	محمدافشاری نیا	۱۰۶
تقی بای	۱۷۶	حبیب الله خانعلی	۱۰۷
نا سرورزی طلب	۱۷۷	محمدحسین تدبیری	۱۰۸
عبدالحسین ترابی	۱۷۸	نصراالله مروجی	۱۰۹
جلال قدرت	۱۷۹	مهدی حیدری	۱۰۰
ایرج وطن خواه	۱۸۰	نادر یوسفی	۱۱۱
حمیدعلیرزاده	۱۸۱	آریا الوندپور	۱۱۲
احمدغریبی	۱۸۲	فرشیدامینی	۱۱۳
بهنام مهرپور	۱۸۳	علی سلامتیان	۱۱۴
علی رحمانی	۱۸۴	یوسف مشتری	۱۱۵
علی گولی وند	۱۸۵	علی غلامی	۱۱۶
رضا حمزوی	۱۸۶	عباس عظیمی	۱۱۷
رحیم غلامی	۱۸۷	ثروین کمیانی	۱۱۸
رضا سیفی کار	۱۸۸	مسعودبیرنگ خجسته پور	۱۱۹
وحیدسرمه ای	۱۸۹	جلال شاهرودی	۱۲۰
سیدعرب یعقوبی	۱۹۰	مسعودتراپی	۱۲۱
محمدعلی جعفری	۱۹۱	عباس ما بودی	۱۲۲
سیروس طاهری حقیقی	۱۹۲	نودرتسلیمی	۱۲۳
اعلام نشده	۱۹۳	غلامرضا بیرونی	۱۲۴
اعلام نشده	۱۹۴	اکبررمانی	۱۲۵
اعلام نشده	۱۹۵	عبدالحمیدنوبخت	۱۲۶
اعلام نشده	۱۹۶	سعیدنادری	۱۲۷
حسن عبداللهی	۱۹۷	ابیرعلی مبشری	۱۲۸
عطاءالله قره دشتی	۱۹۸	حسن احمدی	۱۲۹
نصیرایمانی ذکاهی	۱۹۹	مهدی عبدالوهاب	۱۳۰
اعلام نشده	۲۰۰	علی شایخی	۱۳۱
علا لدین عنگانی طالش	۲۰۱	محبت عبداللهی	۱۳۲
محمد مهدی یادی دبیز	۲۰۲	محمدبزرگی	۱۳۳
سعیدانوری	۲۰۳	جابرجهاندوست	۱۳۴
علی مظلومی	۲۰۴	پرویزکلانتری	۱۳۵
سیدمحسن رضانی	۲۰۵	محمدحسن میرزا با زاده	۱۳۶
غلامحسین شاهانی	۲۰۶	ابراهیم نعمتی	۱۳۷
حیدرخاکسرای	۲۰۷	سیدصادق صادق زاده	۱۳۸
امیرکیانی	۲۰۸	موسی محمدعلی پورکاکیرو	۱۳۹
حمزه شریفی	۲۰۹	کیوان حسن زاده سیاسی	۱۴۰
محمدحسین ذوالفقاری	۲۱۰	طاهررضایی چمنی	۱۴۱
محمدآشید	۲۱۱	اصغرکریمی	۱۴۲
منصورغفوری	۲۱۲	جوادعلیمراد	۱۴۳
سیدجوادمرتضوی	۲۱۳	طاهره حبیبی فرد	۱۴۴
محمودبه نژاد	۲۱۴	حسن کهیارتزاد	۱۴۵
محمدحاج مدداق پور	۲۱۵	ما برچقا دلی	۱۴۶
نا سرحسینی	۲۱۶	حمیدتراپی	۱۴۷
محسن اسلامی	۲۱۷	محمدعلی آما می	۱۴۸
محمدرضا عامری	۲۱۸	محمدجواد شاهین	۱۴۹
مجیدنوری	۲۱۹	علی شیرازی	۱۵۰
مجیدنجف بیگی	۲۲۰	مرتضی دشتیان	۱۵۱
محمدحسین نظرزاده	۲۲۱	منوچهرانتخایی	۱۵۲
سید (علی) دریانی	۲۲۲	علی باقری	۱۵۳
محمدجمالی	۲۲۳	علی توتونچی	۱۵۴
فرهادزما	۲۲۴	اعلام نشده است	۱۵۵
نا دردا بشلیم	۲۲۵	"	۱۵۶
خلیل نوراللهی	۲۲۶	"	۱۵۷
ایرج امیرزادی	۲۲۷	سروش حاج محمدی	۱۵۸
مهرداد امینی	۲۲۸	حسن درختان	۱۵۹
علی کاشی	۲۲۹	حمیدرضایی	۱۶۰
شهرام تقوی	۲۳۰	رضا سیدی	۱۶۱
جهانگیرزینعلی	۲۳۱	مسعودصدیانی	۱۶۲
حسین عظیمی	۲۳۲	علیرضا راظمی	۱۶۳
حیدر محمدی	۲۳۳	محمدحسین مظلومی	۱۶۴
بهرزحاجا محمدی	۲۳۴	احمدعزیزپور	۱۶۵
یوسف یوسفی	۲۳۵	سعیدخالی	۱۶۶
علیرضا فریدحسینی	۲۳۶	مسعودحاجا طمی	۱۶۷
اردکانی	۲۳۷	محمد (مجید) حسینی	۱۶۸
امیرمیرزما	۲۳۸	مهدی عسگری	۱۶۹
مجیدسالاروند	۲۳۹	سیدضیاء نبوی	۱۷۰
مهراد منصور بیگدلی	۲۴۰	فریدتمیری	۱۷۱
مهدی عسگریان	۲۴۱	فریدتمیری	۱۷۲
محمدکتابوز	۲۴۲	نقی زمانی	۱۷۳



## \* بیش از ۶۰۰ اعدام در یکماه \*

هر روز که میگذرد با تعدادی از رژیم گسترده تر و خشونت با تر میگذرد. اگر در تبرما رژیم حدود ۱۵۰ نفر را به جوخه های اعدام سپرد، و اگر در مردادماه ۶۰۰ نفر را از انقلابیون را اعدام کرد، در شهریورماه رقم اعدام شدگان به بیش از ۶۰۰ نفر رسید است! اما این تنها لیست جنایاتی است که رژیم رسماً اعلام کرده است. با این لیست با بدنام مبارزانی را که بی محاکمه و بدون اعلام رسمی اعدام شده اند و همچنین انقلابیونی را که در نبردهای خیابانی بدست جلادان رژیم شهید شده اند اضافه کرد. طی سه ماه گذشته رقم رسمی شهدای اعلام شده ۱۱۰۰ بوده است ولی آمار واقعی شهدای خلق طی این مدت از مرز ۱۵۰۰ نفر هم گذشته است. افتخار همه شهدای خلق، نابودباد رژیم دژخیمان و آدمکشان!

ردیف تاریخ	محل نسل نام گروه	ردیف تاریخ	محل نسل نام گروه
۱	۶۰/۵/۱۹ بجنورد	۱	مجاهدین خلق
۲	" " " "	۲	" " " "
۳	" " " "	۳	" " " "
۴	" " " "	۴	" " " "
۵	" " " "	۵	" " " "
۶	۶۰/۵/۱۸ زنجان	۶	مجاهدین خلق
۷	" " " "	۷	" " " "
۸	۶۰/۵/۱۹ چالیس	۸	" " " "
۹	" " " "	۹	" " " "
۱۰	" " " "	۱۰	" " " "
۱۱	" " " "	۱۱	" " " "
۱۲	" " " "	۱۲	" " " "
۱۳	" " " "	۱۳	" " " "
۱۴	" " " "	۱۴	" " " "
۱۵	" " " "	۱۵	" " " "
۱۶	" " " "	۱۶	" " " "
۱۷	قبیل از ۵/۲۶ بندر عباس	۱۷	چریکهای فدائی
۱۸	" " " "	۱۸	" " " "
۱۹	" " " "	۱۹	" " " "
۲۰	" " " "	۲۰	" " " "
۲۱	" " " "	۲۱	" " " "
۲۲	" " " "	۲۲	" " " "
۲۳	" " " "	۲۳	" " " "
۲۴	" " " "	۲۴	" " " "
۲۵	" " " "	۲۵	" " " "
۲۶	" " " "	۲۶	" " " "
۲۷	قبیل از ۵/۲۷ تهران	۲۷	" " " "
۲۸	" " " "	۲۸	" " " "
۲۹	" " " "	۲۹	" " " "
۳۰	" " " "	۳۰	" " " "
۳۱	" " " "	۳۱	" " " "
۳۲	" " " "	۳۲	" " " "
۳۳	" " " "	۳۳	" " " "
۳۴	" " " "	۳۴	" " " "
۳۵	" " " "	۳۵	" " " "
۳۶	" " " "	۳۶	" " " "
۳۷	" " " "	۳۷	" " " "
۳۸	" " " "	۳۸	" " " "
۳۹	" " " "	۳۹	" " " "
۴۰	" " " "	۴۰	" " " "
۴۱	" " " "	۴۱	" " " "
۴۲	" " " "	۴۲	" " " "
۴۳	" " " "	۴۳	" " " "
۴۴	" " " "	۴۴	" " " "
۴۵	" " " "	۴۵	" " " "

" " " "	رضا مقدس زاده	" " " "	۴۶
" " " "	محمدعلی اکبریان نفاقی	" " " "	۴۷
" " " "	سعید غیور نجف آبادی	" " " "	۴۸
" " " "	شمس رحمتی	" " " "	۴۹
اعلام نشده است	احمد تیمناک	" " " "	۵۰
" " " "	شهرام راجائی	" " " "	۵۱
مجاهدین خلق	خلیل لاهوتی	" " " "	۵۲
" " " "	میرکمال عسگری	" " " "	۵۳
" " " "	علی محمد عسگری	" " " "	۵۴
" " " "	حیدریه	" " " "	۵۵
بیگنار	حسین علی جانی	۶۰/۵/۲۷ اهواز	۵۵
مجاهدین خلق	عباس حسن مسگر	قبیل از ۵/۲۹ کاشان	۵۶
" " " "	خلیل رحمت پور	" " " "	۵۷
" " " "	ایرج موسوی	" " " "	۵۸
" " " "	جها نبخش دست نشان	قبیل از ۶/۱ فیسا	۵۹
" " " "	مسعود مختاری	" " " "	۶۰
" " " "	رضا رحیمی	" " " "	۶۱
از شماره ۱ تا ۶۱ در ماه گذشته اعدام شده اند که در لیست مرداد ماه آورده نشده اند.			
" " " "	حمید امین زاده	" " " "	۶۲
احتمالاً همگی از	عبدالله سوفی	" " " "	۶۳
مجاهدین خلق	عقیل ستوده	" " " "	۶۴
بوده اند.	محسن قناعت پیشه	" " " "	۶۵
" " " "	محمد رضا نجیب زاده	" " " "	۶۶
" " " "	رضا معتمدی	" " " "	۶۷
" " " "	علی اتمام	" " " "	۶۸
" " " "	سعید ستوده	" " " "	۶۹
" " " "	حمید تقی زاده	" " " "	۷۰
" " " "	عقیل خلیلی	" " " "	۷۱
" " " "	عزیز جعفری	" " " "	۷۲
" " " "	نصرت الله صالحی	" " " "	۷۳
" " " "	نعمت الله دهدشتی	" " " "	۷۴
" " " "	الله کرمانیکو	" " " "	۷۵
" " " "	سعید مهدی پور	" " " "	۷۶
" " " "	حیدر حق پناه	" " " "	۷۷
" " " "	مسعود دهدشتی	" " " "	۷۸
" " " "	عزت الله تقی زاده	" " " "	۷۹
" " " "	محمد انگالی	" " " "	۸۰
" " " "	عبدالرسول یوسفی شاد	" " " "	۸۱
" " " "	سعید کاظمی	" " " "	۸۲
" " " "	غلامرضا کشاروز	" " " "	۸۳
" " " "	علی حکمت	" " " "	۸۴
" " " "	علی ارجمند	" " " "	۸۵
" " " "	تقی آل بنی	" " " "	۸۶
" " " "	دا ریوش انصاری	" " " "	۸۷
" " " "	احمد دانش	" " " "	۸۸
" " " "	حجی شاکری	" " " "	۸۹
" " " "	رضا مجردی	" " " "	۹۰
" " " "	مسعودنا شیبیان	" " " "	۹۱
مجاهدین خلق	علیرضا زمانی	" " " "	۹۲
" " " "	مجید قناریان	۶۰/۵/۲۱ گنبد	۹۳
" " " "	علیرضا کاظمی	" " " "	۹۴
" " " "	نصرت الله ورزی	قبیل از ۶/۱ بیابیل	۹۵
" " " "	کریم رهبر	" " " "	۹۶
" " " "	بهمن اسفندیاری	" " " "	۹۷
اعلام نشده است	احمد جوروانی	" " " "	۹۸
" " " "	اصغر صفری	" " " "	۹۹
" " " "	پرویز خداوندگار	" " " "	۱۰۰
مجاهدین خلق	علیرضا رضایی	تهران ۶۰/۵/۱۱۰۱	۱۰۱
فدایی خلق	عبدالرضا بیروانی	" " " "	۱۰۲
مجاهدین خلق	سعید سفینی	" " " "	۱۰۳
" " " "	یوسف محتوی	" " " "	۱۰۴
" " " "	محمود محبوی	" " " "	۱۰۵

بقیه در صفحه ۱۸

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

### پیام کانون مستقل معلمان تهران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

معلمان و دانش آموزان مبارزان سال تحصیلی جدید - رزوا بطی شروع میشود که رژیم جمهوری اسلامی دست به تهاجم گسترده ای علیه جنبش انقلابی زده است. هر روز دهها تن از بهترین فرزندان خلق به جوخه های اعدام حکومت اسلامی سپرده میشوند. کوچکترین مخالفت و اعتراض توده ها نسبت به سیاستهای ارتجاعی و قرون وسطانی رژیم با زندان شکنجه و مرگ پاسخ داده میشود. سال تحصیلی جدید در حالی آغاز میشود که هزاران خانواده در سوگ عزیزان تیرباران شده - شان داغدارند. زندانهای رژیم جمهوری اسلامی مملو از بهترین نوجوانان و جوانان است که قلبشان برای آزادی می تپد و جرمان عشق و وفاداری به توده های محروم ورنجدیده است هزاران دانش آموز محروم فعالیت سیاسی در مدرسه را تحصیل محروم گشته اند. حکومت جمهوری اسلامی که سعی دارد با ایجاد درع و وحشت در جامعه مردم را از صحنه مبارزه دور نماید در صدد است تا مدارس را نیز بستاند یکی دیگر از سنگرهای آگاهی و مبارزه به گورستانی سرد و خاموش تبدیل نماید.

امروز حکومت در پی موج شدید سرکوب توطئه وسیعی برای ایجاد اختناق در مدارس تدارک دیده است. وزیر آموزش و پرورش - اعلام میکند سال "حاکمیت حزب الله" در مدارس است و باید انجمن های اسلامی تأکید و تقویت شوند، معلمان و دانش آموزان بخوبی میدانند که انجمن اسلامی در سال گذشته وظیفه ای جز جاسوسی و مقابله با هر نوع آگاهی دانش آموزان نداشتند و منظور از تقویت انجمن اسلامی، تقویت کانونهای جاسوسی و ضدبسیاسی مدارس به بیابانها و مراکز تفتیش عقاید قرون وسطانی میباشد. رژیم جمهوری اسلامی سال گذشته علیرغم سعی و کوشش های فراوانی که کرد نتوانست دانش آموزان را وادار نماید که جاسوسی همگلاسیهای خود باشند آنها بیشتر مانده از دانش آموزان میخوابند که دوستان مبارزان خود را معرفی کنند.

وزیر آموزش و پرورش با وقاحت تمام از دانش آموزان تقاضا میکند با واک ۳۶ میلیونی !!! همکاری کنند.

از طرف دیگر حکومت که در فضای ترور و خفقان لایحه با زسازی را تصویب نموده است دست به تصفیه و اخراج وسیع معلمان زده است اگر سال گذشته حدود ۳۰ هزار معلم بجرم آگاهی بخشیدن به دانش آموزان اخراج شدند، امروز تصفیه حتی با معلمان کسان می شود که در مقابل اعمال ارتجاعی رژیم چندان عکس العملی نشان ندادند و معلمان اخراجی در معرض خطر دستگیری

بقیه در صفحه ۸

## زندگی و مرگ چه گوارا الهام بخش انقلابیون جهان



"مهم این نیست که مرگ ما را کجا غافلگیر سازد. در هر حال ما آنرا با آغوش می پذیریم. پذیرفت بشرط آنکه خروش رزم جویانه ما بگوش شنوای دیگری برسد و دست دیگری اسلحه ما را بردوش گیرد و مردان دیگری برای خواندن سرود مرگ ما در میان رگبار مسلسلها بیای خیزند و فریادها ی جنگ و پیروزی را طنین افکن کنند." "چه تابستان ۱۹۶۶ در پیما م به کنفرانس سه قاره نهم اکتبر (۱۷ مهر ماه) سال ۱۹۶۷، قلب جوانان انقلابی بزرگ، انترناسیونالیست کبیر، چریک دلیر و خستگی ناپذیر ارستو چه گوارا را با گلوله های مپریا لیم جپانی، در سرزمین بولیوی زتیش باز ایستاد. برای لحظه ای جهان در ماتم و سکوت فرو رفت! ما خروش رزم جویانه میلیونها گوش شنوا در سرا سرگیتی بیباک سته با فریادها ی جنگ و پیروزی خود فضای جهان را پر کردند!

ارستو چه گوارا در ۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ - (۲۶ خرداد ۱۳۰۷) در روزاریو، دومین شهر بزرگ آرژانتین دیده به جهان گشود. او خیلی زود به یک انقلابی حرفه ای تبدیل شد که برایش وطن در محدوده آرژانتین خلاصه نمیشد. چه گوارا پس از یک دوره فعالیت انقلابی در پیرو، کلمبیا، کستاریکا و

کوبا تامل، در سال ۱۹۵۶ با فیدل کاسترو آشنا شد و دوش بدوش او در نبره انقلابی کوبا شرکت کرد و تا پیروزی نهایی همراه خلق کوبا جنگید. چه گوارا پس از پیروزی خلق کوبا عهده داری ریاست بانک ملی این کشور و سپس وزیر صنایع کوبا شد. در این ما موریت مهم بود که او با سازمان دادن اقتصاد کوبا، ارزنده ترین خدمت را در راه استقرار پیروزی سوسیالیسم در کوبا انجام داد.

اما ادامه چنین وظایفی با روحیه پر تحرک و سرکش و تفکر انتزاعی سبوتا لیستش سازگار نبود. او خود را وقف انقلاب جهانی مخصوص در آمریکا لاتین کرده بود و در راه به تمرسیدن یک دهه، سه و... ویتنام در تلاش بود. او را پیرو در ۹ نوامبر سال ۱۹۶۶ با گروهی از انقلابیون در جنگلهای بولیوی، مبارزه مسلحانه علیه رژیم ارتجاعی با رتینکو دست زد و قهرمانان به علیه نیروهای دولتی که مستقیماً از جانب سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) هدایت میشدند رزمید و پس از ۱۱ ماه سرانجام دستگیر و در اکتبر ۱۹۶۷ بیرحمانه به قتل رسید.

چه گوارا در نامه "وداع" که دو سال قبل از شهادتش به پدر و مادرش نوشت به بهترین وجهی افکارش را در باره انقلاب، مارکسیسم و مبارزه مسلحانه ترسیم میکند و نوشت:

"با ردیگریا شنه های کفشم را ورکشید و سپردوش را به دیگری را میگویم. تقریباً ده سال پیش در چنین روزی نامه وداع دیگری برایتان نوشتم، بطوریکه بیاید دارم از اینکه نمیتوانستم سربا زیبهتر و بزشک حاذق تریبا شمشخت تا سف خوردم. اینکه بزشک حاذق تری با شمدیگر بر ایم جالب نیست. اما امروز انجان سرباز بدی نیستم. هیچ چیز در جوهرم تغییر نیافته بجز اینکه بسیار آگاه تر و مومارکسیزم در من ریشه دوانده و تاب ترکشته است.

من به مبارزه مسلحانه به بقیه در صفحه ۱۴

### خبری از نیروی هوایی

افسران پارکها جمع شوند و یک تیم تصفیه برای اتمام کار آنان را همراهی خواهد کرد. این پرسنل هیچکدام در این مدت حق ورود به پارکها را نخواهند داشت. در پی اعتراضی که آنان در قبال وضعیت خود به مسئولین پارکها کرده بودند که به چه اتهام، جرمی دلیلی ما را پاک سازی می کنید جواب شنیده بودند که "ما نمی دانیم نیروی هوایی در قبال پاک سازی پرسنل هیچگونه رضایت نامه شغلی در اختیار آنان نخواهد گذاشت.

در پی تصویب لایحه با زسازی نیروی انسانی در مجلس نیروی هوایی اقدام به اجرای آن نمود و در تاریخ ۲۹/۶/۶۰ با ۴۰۰ - ۶۰۰ نفر از پرسنل راکه اکثر آنان را همان فرمان تشکیل میدهند برای با زسازی در اختیار ریکانهای مربوطه قرار دادند (البته این آثار مربوط به یک روز فقط پارکها یکم می باشد) در عرض ۴۸ ساعت به این پرسنل ابلاغ شد. کارت شناسایی آنان گرفته شد و امروز مرخمی اجباری به آنان داده شد. به آنان گفته شد که روز ۸ مهر ماه همگی با هم برای تصفیه حساب در پارکها -

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد